

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

آگوست 2014 ، مرداد 1393

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

برای دفاع از مردم فلسطین بپا خیزیم!

در برابر چشم جهانیان، یکی از جنایت بارترین نسل کشی تاریخ توسط رژیم صهیونیستی و نژاد پرست اسرائیل با حمایت های نظامی، مالی و سیاسی دولت های سرمایه داری جهانی در حال وقوع است. در این مدت بیش از 800 زن و کودک بی گناه فلسطینی به قتل رسیده و هزاران نفر زخمی و مجروح شده و بخش وسیعی از غزه با خاک یکسان شده و هزاران انسان یا در زیر آوار هلاک شده و یا با بی خانمانی در حال کوچ و یافتن سرپناهی هستند.

<http://www.youtube.com/watch?v=14f-iol86hs&feature=youtu.be>

در همبستگی سراسری بارضا شهابی و دیگر کارگران زندانی!

"تلاش سلطنت طلبان برای نفوذ در جنبش کارگری"

معنای کار اسانلو نه فقط وابستگی مالی بلکه از آن اساسی تر، نقض

استقلال سیاسی جنبش کارگری در ایران است!

در پاسخ به فراخوان اتحادیه های کارگری برزیل

موج واگذاری داری های دولتی به بخش خصوصی در راه است!



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران -
خارج کشور
Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement-
abroad

برای دفاع از مردم فلسطین بپا خیزیم!

- در برابر چشم جهانیان، یکی از جنایات بارترین نسل کشی تاریخ توسط رژیم صهیونیستی و نژاد پرست اسرائیل با حمایت های نظامی، مالی و سیاسی دولت های سرمایه داری جهانی در حال وقوع است. در این مدت بیش از 800 زن و کودک بی گناه فلسطینی به قتل رسیده و هزاران نفر زخمی و مجروح شده و بخش وسیعی از غزه با خاک یکسان شده و هزاران انسان یا در زیر آوار هلاک شده و یا با بی خانمانی در حال کوچ و یافتن سرپناهی هستند.
- آمریکا و "سازمان دول" ظاهراً در تلاش "بی طرفانه!" نظاره گر این جنایتاند و اسرائیل را "نصیحت" می کنند که لطفاً کمی کمتر بکش!
 - خانوم مرکل صدر اعظم آلمان در ارتباط با تظاهرات گسترده در اکثر شهرهای آلمان، بی شرمانه راکت اندازی به اسرائیل را محکوم کرد و مدعی شد: " هر کشوری که مورد حمله قرار گیرد، حق دفاع از خود را دارد و اسرائیل از سرزمین و شهروندان خود دفاع می کند و ما از مقاومت دولت اسرائیل حمایت می کنیم!!!"
 - دولت فرانسه رسماً تظاهرات در حمایت از فلسطینی ها را ممنوع اعلام کرد و به درخواست اتحادیه های بزرگ کارگری، ناگزیر اجازه یک تظاهرات را داد.
 - "شورای یهودیان آلمان" نیز اعلام کرد: " تظاهرات کلن نژاد پرستانه ضد یهودی بود! و ما به دولت آلمان بخاطر اجازه دادن به چنین تظاهراتی اعتراض می کنیم!"
 - ... و
- در چنین شرایطی معترضین قابل توجهی در جهان به پا خاسته اند و در یک همبستگی کم نظیر بین المللی در سراسر جهان، جنایات اسرائیل را محکوم کرده و خواهان کوتاه کردن دست این رژیم ضد انسانی از سرزمین و مردم تحت ستم فلسطین هستند. تداوم و گسترش این مبارزات، یقیناً به آزادی مردم فلسطین یاری خواهد رساند.
- فعالین نهاد های همبستگی در هر کجا که هستند خود را همراه مردم قهرمان و مبارز فلسطین می دانند و از مبارزات آنها به قوی ترین شکل ممکن در برابر این تجاوز آشکار دفاع می کنند.
- فعالین نهاد های همبستگی، زراد خانه جنگی دولت نژاد پرست اسرائیل در حق مردم فلسطین و درهم شکستن ساکنان نوار غزه و تبلیغات ویرانگر رسانه ای دولت نژاد پرست اسرائیل را برای تحمیق کارگران و زحمتکشان اسرائیل، که هر دم دروغ می بافتند را قویاً محکوم می نمایند.
- فعالین نهاد های همبستگی، توطئه سکوت شرم آور رسانه های مسلط قدرت های به اصطلاح "جامعه جهانی" و سیاست های دو پهلوی این قدرت ها در حمایت از کشتار ددمنشانه مردم سرزمین های اشغال شده فلسطین را بشدت محکوم می کنیم.
- " نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور"، همراه نیروهای مترقی در سراسر جهان، ضمن حمایت از مبارزات و مقاومت مردم فلسطین، بر درد مشترک مردم ایران، بویژه طبقه کارگر و بالاخص کارگران زندانی و خانواده هایشان تکیه کرده و خواهان مبارزات مشترک برای آزادی فلسطین و آزادی کارگران و سایر زندانیان سیاسی ایران هستند.

برای حمایت از مبارزات و مقاومت مردم فلسطین بپا خیزیم!

جولای 2014

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com



DON'T FORGET REZA SHAHAEI

جان رضا شهابی بطور جدی در خطر است و مبارزه فوری را می طلبد!

رضا شهابی، مسئول مالی و عضو هیأت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، با تنی رنجور اما با عزمی سترگ، برای چندمین بار، دست به اعتصاب غذا زده و از پذیرفتن دارو نیز سرباز زده است.

او در اعتراض به فشارها، تبعید او از زندان اوین به زندان گوهردشت و شرایط غیر انسانی زندان و اعلام چهار خواسته دایر بر بازگشت به بند 350 زندان اوین، برخورداری از مرخصی استعلاجی جهت درمان و عمل جراحی دیسک کمر، اجرای ماده 134 قانون جدید مجازات اسلامی و برخورداری از قانون آزادی مشروط، دست به اعتصاب غذا زده و وارد بیست و هفتمین روز اعتصاب غذای خود شده است.

طبق آخرین خبر ها او با وضعیت بسیار نامناسب و مخاطره آمیز جسمانی روبرو است و مسئولین زندان تا کنون هیچ ترتیب اثری به این اعتراض بر حق او نداده اند.

این چندمین بار است که رضا شهابی در اعتراض به اعمال جنایتکارانه و ضد کارگری بازجویان و مقامات زندان و شرایط بسیار سخت و طاقت فرسایی را که به وی و دیگر زندانیان تحمیل می کنند، دست به اعتصاب غذا می زند و زندگی و سلامتی خود را در اعتراض به حقوق خود و هم طبقه ای هایش به خطر می اندازد. طبق خبرهای رسیده، در طول این مدت اعتصاب غذا رضا شهابی 8 کیلو از وزنش را از دست داده و سلامتی وی به طور جدی در معرض خطر قرار گرفته است. رضا شهابی به علت ناراحتیهای عدیده ای که از نظر جسمی دارد و در دوران محکومیتش هیچگاه بطور جدی مورد مُدوای پزشکی قرار نگرفته است.

"مردانی"، رئیس زندان در حالی که در برخورد با رضا شهابی دچار عجز و استیصال شده است و این عجز را با عبارتی چون "رضا! تو از جان ما چه می خواهی؟" بر زبان می آورد، در عین

حال، که در مقابل مقاومت و جسارتی که این کارگر پیشرو از خود نشان داده است، در مانده از شکستن مقاومت و ایستادگی، در ظاهر او را تهدید به حبس در زندان انفرادی می نمایند. رژیم با عدم پاسخ به خواستهای رضا شهابی نوعی از شکنجه های فرسایشی را به او تحمیل می نماید، و با ادامه اعتصاب غذا شرایط بسیار نگران کننده و دشواری را پیش روی رضا شهابی گذاشته که جان او را بطور جدی در معرض خطر قرار داده است. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از مقاومت و مبارزات خستگی ناپذیر رضا شهابی مستاصل شده و به این نتیجه رسیده اند، که اعمال هر نوع تنبیه و شکنجه بدنی و روحی در رابطه با این کارگر مبارز کارساز نمی باشد. بنابراین، با ترتیب اثر ندادن به اعتصاب غذا و متحقق نمودن خواسته هایش بر این تصمیم اند که با تحمیل کردن شرایط فرسایشی و زیانبار خویش بطور واقعی سلامتی او را تا پای مرگ بخطر بیاندازند! سرانجام با تحمیل قتل عمد مانند ستار بهشتی، افشین اسانلو مرگ او را خیلی راحت و بدون هیچ مسئولیتی طبیعی جلوه دهند. این وضعیت شدت نگران کننده رضا شهابی این توجه را به تمام نهادها و تشکلهای کارگری در سطح داخل و جهانی را می دهد تا متحدان از رضا شهابی بخواهند که به اعتصاب غذای خود خاتمه بدهد.

ما نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، نگران سلامتی رضا شهابی هستیم. ما وظیفه خود می دانیم که از رضا شهابی کارگر مبارز و خستگی ناپذیر جنبش کارگری تقاضا نمائیم، از آنجائیکه بطور جدی سلامتش در خطر است به اعتصاب غذای خود پایان دهد. نهادهای همبستگی بر این واقف هستند رضا جنبشی را نمایندگی می کند که حتی زندان، شکنجه و سرکوب بیرحمانه، نمی تواند اختلالی در اراده طبقاتیشان نسبت به آرمانهای والای بشری بوجود بیاورد. اما قطعاً این اعتصاب غذاهای طولانی جان و سلامتش را بخطر خواهد انداخت و دشمن در انتظار همچنین لحظه و روزی است. رضا باید بداند که جنبش کارگری بیشتر از هر زمان دیگر به وجود او نیاز دارد و این فرصت نباید به دشمن طبقاتی داده شود، که به آروزی دیرینه اش برسد.

خطری که امروز رضا شهابی را تهدید می کند، این مسئولیت را بر عهده همه ما می گذارد که به هر طریق ممکن از وی حمایت کنیم و صدای حق طلبی این کارگر مبارز را که به خاطر دفاع از حقوق کارگران و بهبود سطح معیشت و زندگی آنان، سال هایی از عمر خود را در زندان بسر برده است به گوش سازمانها و نهادهای کارگری آگاه جهان برسانیم.

کارگرنندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردند!

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!

تیرماه ۱۳۹۳

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

در همبستگی سراسری با رضا شهابی و دیگر کارگران زندانی

رضا شهابی کارگر زندانی عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و خزانه دار سندیکا، در آستانه پنجمین سال بازداشت به ناگهان به زندان رجایی شهر تبعید شد. رضا شهابی در حالی که بنا به گزارشات پزشکی در وضعیت جسمانی خطرناکی قرار دارد و قبل از هر چیز به مداوای عاجل نیاز دارد، بدون اطلاع قبلی و بدون توجه به چنین شرایطی از زندانی به زندانی دیگر تبعید می شود.

جابجایی و تبعید کارگرو زندانی، از زندانی به زندانی دیگر یکی از روش های سرکوبگران جنبش کارگری هست. هدف نظام شکستن عنصر مقاومت و ایجاد رعب در ایستادگی خانواده ها در بیرون از زندان است. قبلا این کار را در مورد شاهرخ زمانی پیاده کردند که با اعتصاب غذای فرساینده 47 روزه اش همراه بود و دست آخر در برابر گسترش اعتراضات در داخل و خارج ایران، زندانبانان ناچار به خواست او تن دادند و او را به زندان رجایی شهر برگرداندند. حالا همین کار را در مورد رضا شهابی شاهدیم که صورت می دهند. رضا شهابی هم در واکنش به این جابجایی دست به اعتصاب غذا زده که آگه همینطور ادامه پیدا کنه بزودی از مرز دو هفته هم می گذرد. مسئول جان و خطرات ناشی از آسیب های جسمانی به رضا شهابی و دیگر کارگران زندانی رژیم اسلامی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در اعتراض به بی توجهی به شرایط جسمانی و نیز تبعید او به زندان رجایی شهر، کارگران و تشکلهای سازمانهای مدافع کارگر، دوستان و هواداران جنبش کارگری را فرامیخوانیم که با کمیپینها و کارزارهای سراسری به هر شکل که میتوانند همراهی کرده و ضمن، محکوم کردن رژیم اسلامی و کل ارگانهایش، همبستگی خود را با کارگران زندانی و رضا شهابی به اشکال مختلف اعلام کنیم.

نهادهای همبستگی در مبارزه برای آزادی بی قید و شرط رضا شهابی و دیگر زندانیان از پای نخواهد نشست.

کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باید تحت مداوا قرار گیرند و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

11 ژوئن 2014

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

"تلاش سلطنت‌طلبان برای نفوذ در جنبش کارگری"

معنای کار اسانلو نه فقط وابستگی مالی بلکه از آن اساسی تر، نقض استقلال سیاسی جنبش کارگری در ایران است!

بخش‌های وسیعی از مناطق کارگری در ایران، امروز، سرزمین اعتصابات، اعتراضات و تحریکات کارگری است. جنبش مطالباتی کارگران، در شرایط دشوار و با هزینه‌های بسیار سنگین، در مقابله با تهاجم نئولیبرالی در دفاع از سطح زندگی و دستاوردهای کارگران هر روز ابعاد بزرگتری می‌یابد. نهادهای امپریالیستی و جریانات اپوزیسیون بورژوازی، در غیاب دیگر جنبش‌های بزرگ اجتماعی، نمی‌توانند جنبش کارگری مشهود و پر غلبان ایران را در محاسبات استراتژیک خود برای تغییر رژیم نادیده بگیرند. از این رو در تلاش اند، تسمه خود را بر گردن این جنبش انداخته و آن را در جهت اهداف خود کاتالیزه کنند. آن‌ها بازاری رژیم اسلامی را تکمیل می‌کنند. رژیم اسلامی ایران فعالان کارگری و خانواده‌هایشان را با اخراج، بیکاری و زندان، گرسنگی می‌دهد تا تسلیم شوند، و امپریالیست‌ها و بورژواهای اپوزیسیون هم روی این گرسنگی و استیصال، سرمایه‌گذاری می‌کنند تا فعالان کارگری تحت فشار را وسوسه کرده و آن‌ها را که چنین کمکی را بپذیرند، منت‌دار اخلاقی و بدهکار سیاسی خود سازند. ما بیشتر شاهد حضور و تلاش عوامل "سولیدارتهی سنتر" و کارگزاران ایرانی آنان مانند مهدی کوهستانی در ایجاد تشنت و تفرقه میان فعالان کارگری و تشکل‌های آنان در ایران بوده و به سهم خویش برای افشای آن تلاش کرده ایم.

امروز صد هزار دلاری که از طرف صاحب تلویزیون اندیشه در برابر دوربین تلویزیون در اختیار منصور اسانلو قرار داده شد، بخشی از هزینه پروژه جریان سلطنت طلب برای یک کردن جنبش کارگری به اپوزیسیون بورژوازی رژیم است. این پول، کرم سر قلاب است. متأسفانه باید بگوییم آنگاه که منصور اسانلو در همان نمایش تلویزیونی و اشک تمساح ریختن مجری آن برنامه آقای "فرامرز فروزنده"، برزبان میراند: «انسانیت فراتر از نگاه‌های بسته طبقاتی می‌تواند عمل کند و یک پیوند عمیق بین همه انسان‌ها برقرار کند به پاس انسانیت!» بدین ترتیب سیاست آشتی طبقاتی را بار دیگر عریان کرده و به بذل و بخشش آقای "نادر درمانی" به نمایندگی از صاحبان این پروژه گردن نهاده است.

سه کارگر زندانی، آقایان شاهرخ زمانی، محمد جراحی و رضا شهابی در پیامی خطاب به منصور اسانلو از او خواسته‌اند این پول را پس دهد تا در صف کارگران باقی بماند. ما ضمن همدلی با این دوستان لازم می‌دانیم یاد آور شویم که اولاً ایراد اصلی کار اسانلو تنها پذیرش این پول نیست، این پول را به این خاطر در اختیار وی گذاشته‌اند که او پیش از دریافت پول بامداخله‌گری و فرستادن پیام به کنفرانس‌های جریان سلطنت طلب و بطور مشخص پیام اسکایپی در برگزاری نخستین مجمع عمومی سالیانه شورای ملی ایران در تورنتو، وارد بازی در بساط این جناح از بورژوازی شده و ایفای نقش واسط در پروژه آن‌ها برای تطبیع فعالان کارگری را پذیرفته است. ثانیاً معنای کار او نه فقط وابستگی مالی بلکه از آن اساسی تر، نقض استقلال سیاسی جنبش کارگری ایران است.

کار منصور اسانلو نتیجه خط مشی رفرمیستی ریشه دار او نیست. کار او قبل از هر چیز یک انتخاب سیاسی است. کارگران ایران گرایشات سیاسی مختلفی دارند. منصور اسانلو هم مثل هر شهروند ایرانی حق دارد به هر جریان سیاسی از جمله به سلطنت‌طلبان یا به اصلاح‌طلبان حکومتی تمایل داشته باشد. منتها نقشی که منصور اسانلو در این بساط سیاسی بر عهده گرفته است، بیش از صرف داشتن یک گرایش سیاسی است. او پذیرفته است که در این پروژه سیاسی، نقش لولای اتصال با جنبش کارگری در ایران را بعهده بگیرد. مسئله پول، تازه بعد از این است که اهمیت و معنی پیدا می‌کند. از اینرو حتا اگر او این پول را رد کند، مادام که این نقش را پس ندهد، از اینگونه پروژه‌های ضد کارگری فاصله نگرفته و آن‌ها را محکوم نکند، استقلال طبقاتی جنبش کارگری را زیر پا گذاشته است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

خرداد 1393 - ژوئن 2014

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن بافق

با پیروزی به اتمام رسید!

بیش از ۵۰۰۰ کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق در اعتراض به واگذاری ۲۸،۵ درصد از سهام این معدن به بخش خصوصی از روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ مبارزه خود را به صورت تحصن و اعتصاب آغاز کردند، این حرکت مبارزاتی مدت ۳۹ روز تداوم داشت و با عقب نشینی هیات دولت و لغو مصوبه خصوصی سازی معدن با موفقیت به پایان رسید.

جمهوری اسلامی سرمایه همانند دیگر هم طبقه ای های خود در دیگر کشورهای سرمایه داری با طرح خصوصی سازی به دنبال کسب سود بیشتر، کاهش دستمزد و مزایای کارگران، افزایش استثمار و سلب بیشتر حقوق کارگران، گسترش قراردادهای موقت و سفید امضا و سلب امنیت شغلی است. کارگران معدن بافق با وجود این که از تشکل مستقل خود که می توانند با تکیه بر آن اتحاد و هویت طبقاتی خود را بروز دهند، محرومند، با این وجود متحد و یک پارچه علیه طرح ارتجاعی دولت سرمایه داران به پا خاسته و با مبارزه خود در مقابل تعرض سرمایه و مصادره اموال عمومی ایستاده و رژیم سرمایه داران را به زانو در آوردند.

کارگران در مقابل این طرح سرمایه داران، خواست خریدن سهام معدن و نیز خود مستقیماً میتوانند اداره معدن را بدست بگیرند را طرح نمودند. کارگران معدن بافق پرچم یک مبارزه مهم علیه یکی از مهمترین طرحهای نظام سرمایه داری که نتیجه ای جز فقر و گرسنگی را به همراه ندارد را بلند کردند.

مبارزه و اعتصاب به حق کارگران معدن بافق در مقابل طرح خصوصی سازی، پیروز شد. این مبارزه هم چنین راه مقاومت در برابر تعرض سرمایه را به سایر کارگران در دیگر مراکز صنعتی نشان داد. پیروزی کارگران معدن بافق متعلق به تمامی کارگران است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران، این پیروزی را به کارگران معدن سنگ آهن مرکزی بافق و تمامی جنبش کارگری تبریک میگوید.

زنده باد کارگران اعتصابی سنگ آهن بافق!

زنده باد همبستگی کارگران!

جون ۲۰۱۴ - تیر ۱۳۹۳

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

فراخوان

گردهم آیی اعتراضی در برابر مقر آ.ا.ل. او - ژنو - 6 ژوئن 2014
برای خواست آزادی فوری وبی قید و شرط کارگران زندانی و برای محکوم کردن
رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و نمایندگان در سازمان جهانی کار

سازمان جهانی کار، ارگانی برای تنظیم شرایط کار به نفع دولتها و کارفرمایان است! کارگران ایران از حق ایجاد تشکلهای مستقل برخوردار نیستند، تشکلهای کارگری موجود، سندیکای واحد و سندیکای هفت تپه و ... تحت فشار و سرکوب هستند و کارگران و فعالین کارگری مورد اذیت و آزار مداوم قرار میگیرند. هفته گذشته رضا شهابی کارگر شناخته شده سندیکای شرکت واحد را همچون شاهرخ زمانی به یکباره و بدون اطلاع از زندان اوین به زندان گوهردشت برای اذیت و آزار تبعید کرده اند و طبق اطلاع در اعتصاب غذا بسر می برد. بدین ترتیب نمایندگان کارگران و فعالین کارگری همچنان در زندانهای رژیم اسلامی اسیر و تحت فشارهای جسمی و روحی بسر میبرند. اعتراضات، اعتصابات و تجمعات کارگری سرکوب میشوند. سازمانها و اتحادیه های کارگری در سطح جهانی و بخصوص نمایندگانشان در سازمان جهانی کار از این موضوع بی اطلاع نیستند. با اینحال هر ساله هیئتی از سرکوبگران امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در لباس نمایندگان کارگران به این اجلاس دعوت شده و مسئولیت به آنها واگذار میشود. حتی همان حداقل مقوله نامه های سازمان مذکور توسط رژیم زیر پا گذاشته میشود.

سازمان جهانی کار که زیر مجموعه سازمان ملل است، با توجه به سابقه و اهدافش تا به امروز نشان داده است که منافع مستقل کارگران، منافعی که از درون مبارزات آنان سرچشمه گرفته باشد، در آن نمایندگی نشده و جایی ندارد. در اثر مبارزات تاریخی طبقه کارگر در کشورهای مختلف در منشور سازمان بخشی از دستاوردهای این مبارزات منجمله حق ایجاد تشکل، قراردادهای جمعی، رفع تبعیض و برابری حقوقی درج شده است. آنچه از اهداف این سازمان بر می آید، تدوین و اجرای قوانینی در چهارچوب مناسبات موجود یعنی تامین شرایط کار در جهت نیاز دولتها و مالکان سرمایه است و منافع کارگران در آن جایی ندارد. درک حاکم بر اجلاس، سیاست سه جانبه گرایی است که دولتها با توجه به تنظیمات ارگانهای جهانی مانند سازمان تجارت جهانی کار و صندوق بین المللی پول می بایست در قوانین کشوری به اجرا بگذارند. از اینرو نمایندگان دولتها، کارفرمایان و تشکلهایی که به نام کارگر از بالای سر توده کارگر و در چهارچوب سیاستهای حاکم سازمان یافته اند، رابطه کار و سرمایه را به اتفاق تنظیم میکنند. این سیاست هیچ ربطی به منافع پایه ای کارگران نداشته و تغییری در بهبود شرایط زندگی آنها ایجاد نمی کند. هر گونه تغییر در شرایط کار و زندگی کارگران در گرو ایجاد تشکلهای مستقل و متکی به نیروی کارگران و برگزیدن نمایندگان واقعی خود خواهد بود. برای تحقق این هدف و اعتراض به حضور "نمایندگان" منتخب کارفرمایان و وزارت کار ما تشکلات، فعالین و هواداران طبقه کارگر را فرا می خوانیم که وسیعاً در اکسیون اعتراضی نیروهای مترقی در روز ششم ژوئن در مقابل سازمان جهانی کار در ژنو شرکت نمایند.

متشکل شویم، سازماندهی کنیم!

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۳ برابر با ۰۴ ژوئن ۲۰۱۴

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

موج واگذاری دارایی های دولتی به بخش خصوصی در راه است!

دولت جمهوری اسلامی بر اثر مبارزات و استقامت کارگران معدن سنگ آهن مرکزی بافق از واگذاری این معدن به بخش خصوصی عقب نشست، اما واگذاری دارایی های دولتی به بخش خصوصی جزو برنامه عمل دولت است و آن را در عرصه های دیگری به پیش می برد. تازه ترین آن واگذاری معادن زغال سنگ البرز شرقی در استان سمنان به بخش خصوصی است. سازمان خصوصی سازی، سهام شرکت زغال سنگ البرز شرقی را به صورت صد در صد به بخش خصوصی ذوب آهن اصفهان واگذار کرده است که این موضوع سرنوشت بیش از ۱۴۰۰ کارگر این معدن را در ابهام قرار داده است. امنیت شغلی کارگران بیش از پیش در خطر قرار گرفته است. شرکت معادن زغال سنگ البرز شرقی (سهامی خاص- مالکیت سهامی دولتی) یکی از بزرگترین تولید کنندگان کنسانتره زغال سنگ به منظور استفاده در کوره های کک سازی ذوب آهن اصفهان به شمار می رود. حوزه فعالیت آن در شرق سلسله جبال البرز (از شمال شهرستان دامغان در استان سمنان تا جنوب شهرستان مینودشت واقع در استان گلستان) به طول ۲۲۰ کیلومتر گسترش دارد. اداره مرکزی این حوزه در شهرستان شاهرود و استان سمنان جای گرفته است.

با این حال خصوصی سازی معادن زغال سنگ البرز آخرین دست اندازی دولت سرمایه داری به حقوق و هستی بلافاصله کارگران نیست، زیرا واگذاری های گسترده تازه در آغاز راهند. در بودجه دولت احمدی نژاد، ۳۷ هزار میلیارد تومان واگذاری دارایی های دولتی به بخش خصوصی تصویب شده بود و توسط شورای نگهبان تأیید گشته بود. این ثروت هنگفت چنان ابعادی دارد که حتی دولت روحانی آن را غیر قابل تحقق نامید، هم اکنون مجلس شورای اسلامی و دولت روحانی بر سر رقم ۲۵ هزار میلیارد تومان واگذاری اموال دولت توافق کرده اند.

سازمان خصوصی سازی در اردیبهشت ۱۳۹۳ اعلام کرد، ۱۸۶ شرکت قابل واگذاری در قالب ۲۷ شرکت بسیار بزرگ، ۷۶ شرکت بزرگ، ۳۱ شرکت متوسط و ۳۱ شرکت دیگر به همراه سهام خرد دولت در ۹ شرکت بورسی و ۱۲ شرکت (بورسی و غیربورسی) را در فهرست واگذاری های امسال گنجانده شده است. این فهرست از پالایشگاه های نفت بندرعباس، لاوان و کرمانشاه و نیز شرکت های ملی حفاری، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، پتروشیمی دماوند را در برمی گیرد تا هیلدینگ گاز ایران، مهتاب قدس، صبا و نیروگاه های شهید رجایی، سهند، زاهدان، مفتح، خلیج فارس و آذربایجان!

چنین کارزار گسترده ای در راستای خصوصی سازی سرمایه ها، به معنای دست اندازی بیشتر و بیشتر به سطح معشیت و هستی طبقه کارگر است، به معنای قرار دادن کارگران در شرایط ضعف فزونی تر، برای تحمیل آن چه که به سود کارفرماست. کارگران ناچارند برای دفاع از هستی بلاواسطه شان، آن هم در شرایطی که از تشکلات مستقل خود محرومند، دست به مقاومت بزنند. الگوی مقاومت و مبارزه ی کارگران معدن سنگ آهن، الگویی که دولت را به عقب نشینی وادار نموده است، سرمشق مناسبی است که کارگران می توانند با کاربست آن صفوف خود را در مقابل تعرضات سرمایه مستحکم نگه دارند.

جون ۲۰۱۴ - تیر ۱۳۹۳

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کنند:
از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

همبستگی با مبارزات مردم فلسطین

Paltalk

Otag: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

جمعه 15 آگوست 2014

ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی

24 مرداد 1393 ساعت 22.30 بوقت ایران

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و یا عضو تشکلهای و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه و بحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری میپردازد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

همصدا با یکدیگر به دفاع از رضا شهابی برخیزیم

اکنون نزدیک به 50 روز است که رضا شهابی در اعتصاب غذا به سر می برد! زندگی و سلامت این کارگر مبارز زندانی در خطر است! رضا شهابی جان خود را وثیقه افشای بی عدالتی و ستمگری قوه قضائیه و مسئولان زندان ها و هیئت حاکمه ایران قرار داده است!

رضا شهابی چه می گوید و چرا به زندان محکوم شده و اینگونه مورد ستم و تعدی قرار می گیرد؟ او کارگر مبارزی است که مقتضیات کار و زندگی اش او را به واکنش علیه قوانین ضد کارگری واداشته است. او به عنوان یک کارگر، نابرابری اقتصادی و اجتماعی را در محیط کار و زندگی اجتماعی خود تجربه کرده است. حساسیت و هوشیاری اش نسبت به نابرابری و تضاد طبقاتی موجود در جامعه او را در جایگاه یک کارگر آگاه و مبارز قرار داده است که برای تأمین خواست هایش که همانا خواست طبقه کارگر نیز می باشد از فدا نمودن جان خویش نیز دریغ نمی ورزد.

رضا شهابی می گوید: کارگران حق دارند که برای دفاع از منافع طبقاتی خود مبارزه کنند و از تشکل مستقل طبقاتی خویش برخوردار باشند. به همین دلیل او به همراه رفقای کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برای ایجاد سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه وارد عرصه مبارزه گردید. با یافشاری و مبارزه اش در امر احقاق حقوق کارگران بود که با رأی عمومی همکارانش به عضویت هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد برگزیده شد. او در پاسخ به اعتماد دوستانش عزم و اراده خود را برای دفاع از آزادی تشکل مستقل کارگری و آزادی اعتصاب به عنوان یکی از ابزارهای مبارزه طبقه کارگر در جهت تأمین مطالبات اقتصادی و سیاسی جزم نموده است. او تصویب مزد زیر خط فقر از جانب شورای عالی کار و وزیر و نمایندگان ضدکارگری را متناسب با هزینه خانوار کارگری نمی داند و برای افزایش مزد و همچنین پرداخت حقوق معوقه کارگران مبارزه می کند. خواست دیگر او آزادی زندانیان سیاسی و آزادی کارگران زندانی و بازگشت به کار و پرداخت مزد زمان محکومیت آنان می باشد.

رضا شهابی به دلیل بیان این گونه مطالبات و برافراشتن پرچم مبارزه علیه قوانین سرمایه داری مورد خشم مسئولان ضدکارگری قرار گرفته است. او را در زندان نیز آسوده نمی گذارند و دائم مورد ستم و اذیت و آزار و بی حرمتی قرار می دهند. مسئولان قضائی و امنیتی رژیم برای پایین آوردن شأن و منزلت او مدام او را زیر فشار قرار می دهند و حتی از درمان وی نیز ممانعت به عمل می آورند. سلامت و جان رضا شهابی برای آنها بی ارزش است و مرگ این کارگر مبارز را آرزو می کنند.

بدون شک دشمنان رضا شهابی نباید به این آرزوی پلیدشان دست یابند. طبقه کارگر ایران و همه مدافعان آزادی طبقه کارگر و همچنین کارگران و سازمان های بین المللی کارگری رشادت و آشتی ناپذیری رضا شهابی را می ستایند و حفظ جان این رفیق کارگر را برای استمرار مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر امری جدی و مهم تلقی می کنند. از این رو بی آنکه ذره ای در شایستگی و خستگی ناپذیری رضای عزیز در مبارزه به ضد ستم طبقاتی تردیدی داشته باشیم، در اقدامی مشترک دستان توانمند ایشان را می فشاریم و به عنوان بخشی از جنبش کارگری ایران پایان پیروزمندانه اعتصاب غذای رفیق شهابی را در پیشگاه طبقه کارگر طلب می نماییم. سلامت و پیشگامی او در مبارزه لازمه نبرد متحد همه کارگران از جمله برای تحقق خواست های او است. اتحاد و همبستگی طبقه کارگر توصیه خود اوست. ما نیز در این پیام به خواست او که وحدت و یکپارچگی در صف طبقه کارگر است پاسخ گفته ایم.

برای آزادی همه زندانیان سیاسی و همه کارگران زندانی مبارزه ای سراسری را سازماندهی کنیم

نگ و نفرت بر استبداد و دیکتاتوری

زنده باد آزادی

کارگران پروژه های پارس جنوبی، فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان، فعالان کارگری جنوب

جمعی از کارگران پتروشیمی های ماهشهر و بندرامام، جمعی از کارگران محور کرج - تهران

تیرماه 1393 kargaran.parsjonobi@gmail.com



کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد جان رضا شهابی در خطر است

کارگران، مردم آزاده و تشکل های کارگری؛

رضا شهابی یکی از کارگران معترضی است که به جرم دفاع از حقوق کارگران و پایمال شدن حقوق آنان به مبارزه برخاسته است. این کارگر مبارز به اتهام دفاع از کارگران و عضویت در تشکل کارگری (سندیکای شرکت واحد تهران و خومه) در تاریخ 22/خرداد/89 توسط نیروهای امنیتی بازداشت و مدت زیادی در سلول های انفرادی تحت شدید ترین بازجویی بود

رضا شهابی بعد از سپری کردن آیام بلاتکلیفی در یک دادگاه، به 6 سال زندان محکوم شد و از آن تاریخ در حال سپری کردن احکام ناعادلانه خود است. اما با توجه به اینکه رضا شهابی در مقابل این احکام مرعوب نشد و مرتباً در داخل زندان با پیام و یا اطلاعیه دخیل در جنبش کارگری ایران بوده و هست، مسئولان امنیتی کشور و زندانبانان هر روز برای این کارگر مبارز مشکلاتی ایجاد می کنند.

رضا شهابی در طول زندانی شدن خود چند بار به اعتراض به وضعیت موجود در داخل زندان و وضعیت جسمی شخص خود اقدام به اعتصاب غذا نموده است.

همچنان که همه اطلاع دارند، نیروهای امنیتی در بهار امسال به بند 350 زندان اوین حمله کردند و تعداد زیادی از زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و برای تعداد دیگری از زندانیان پرونده سازی کردند، از جمله بهنام ابراهیم زاده که تا امروز چند بار ایشان را جهت محاکمه به دادگاه احضار کرده اند. در این راستا رضا شهابی را نیز از زندان اوین به زندان گوهردشت تبعید کرده اند. رضا شهابی در مقابل این ظلم در تاریخ 11/3/93 اقدام به اعتصاب غذا کرده و تا امروز همچنان اعتصاب این کارگر مبارز ادامه دارد.

ما اعضای کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد ضمن محکوم کردن تبعید رضا شهابی و حمله ماموران امنیتی به منزل کارگر مبارز بهنام ابراهیم زاده، از تمام انسانهای انقلابی و تشکل های کارگری می خواهیم که به هر وسیله اعتراض خود را نسبت به این بی عدالتی مسئولان امنیتی در ایران ابراز دارند. ما اعضای کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد رسماً اعلام خواهیم کرد که هر گونه عواقب ناخوشایند در مورد رضا شهابی به عهده مسئولان قضایی می باشد و همچنان اعلام خواهیم کرد که خودمان را برای هر گونه اعتراض آماده کرده و همراه خانواده این کارگر مبارز هستیم.

شماره تماس با سخنگوی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد، کوروش بخشنده:

09379960747

komitedefaa@gmail.com

http://komitedefaa.blogspot.com

۱۵ تیر ۱۳۹۳

از آزادی خواهان اسیر در کشتارگاه‌های رژیم پلید ایران حمایت کنیم!

چهارشنبه ۰۱ اسد ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۸ حزب همبستگی افغانستان اعلامیه‌ها



با روی کار آمدن آدمکشان «میان‌هرو» تحت ریاست حسن روحانی در رژیم فاشیستی ایران، موج دستگیری و شکنجه و اعدام در برابر آزادی خواهان و دگراندیشان آن کشور شدت بی‌سابقه‌ای یافته‌است. دستگاه خونخوار «ولایت فقیه» که در لجن نیستی دست و پا می‌زند، در کنار اعدام و چپاول پناهجویان بینوای افغان، هر روز جنایات هولناکی در حق مردم سلحشور ایران نیز مرتکب شده، هر صدای مخالف را هیتلروار سرکوب می‌کند.

رضا شهابی، کارگر مبارزیت که به‌خاطر فعالیت‌های صنفی، بیش از چهار سال است تحت شکنجه‌های روحی و جسمی در اسارت رژیم آخندی به‌سر می‌برد. او با شهادت تمام ۵۰ روز است که دست به اعتصاب غذایی زده و در وضعیت جسمی نامناسبی قرار دارد. جلادان رژیم پوسیده خامنه‌ای-روحانی کمترین توجهی به خواست‌های انسانی وی ندارند.



رژیم تبهکار «ولایت فقیه» تصور می‌کند با شکنجه و ریختن خون برومندترین فرزندان ایران، مردم آزادی‌خواه و تا مغز استخوان ضد بنیادگرایی ایران را مرعوب و آرام ساخته، به تمکین وادارد. ولی تاریخ توحش جمهوری اسلامی گواهد است، همان‌گونه که رژیم مستبد رضاشاهی نتوانست، این رژیم قرون وسطایی نیز هرگز نخواهد توانست با شکنجه و کشتار ده‌ها هزار آگاه‌ترین و دلاورترین مردان و زنان ایران فریاد الهام‌بخش آزادی‌خواهی را در سرزمین خسرو گل‌سرخ‌ها و سعید سلطانپورها و نداها و فرزاد کمانگرها و شیرین علم‌هولی‌ها مانع گردد.

جنبش مردم ما برای استقلال، آزادی و دموکراسی بدون موضع‌گیری قاطع و آشتی‌ناپذیر با رژیم‌ها ایران که سه دهه است در خون پرفروغ‌ترین ستارگان آسمان غمزده ایران مستی می‌کند، دم بریده، لرزان و شدیداً آسیب‌پذیر خواهد بود. این دستگاه‌های جباریت و جهالت که به غده چرکینی در منطقه مبدل شده، یکی از عوامل تباهی و سپهریزی مردم ما نیز به‌شمار می‌رود و چهار دهه تمام می‌شود که به حمایت، تسلیح و تجهیز وحشی‌ترین، جاهل‌ترین و ارتجاعی‌ترین دشمنان ملت ما ادامه می‌دهد.

«حزب همبستگی افغانستان» به ایستادگی رضا شهابی، نسرین ستوده، مجید توکلی و صدها زندانی سیاسی این کشور درود بی‌کران فرستاده، خواهان رهایی فوری آنان از مسلخ‌های آخندی می‌باشد. ما همبستگی قلبی خود را با جنبش آزادی‌خواهانه ایران و با زندانیان آزادی‌خواه این سرزمین اعلام می‌داریم که پایداری و تسلیم‌ناپذیری افسانه‌ای شان مایه امید ادامه پیکار در هر شرایطی و نمونه تجسم غرور و شرف انسان مبارز به حماسی‌ترین صورت آن در این دنیای مملو از ستم و تحقیر و نابرابری و زورگویی می‌باشد.

**درود بر رضا شهابی و کلیه مبارزان دربند رژیم آدم‌خوار ایران!
زنده و فروزان باد نبرد آزادی‌خواهانه‌ی مردم ایران و افغانستان!**

حزب همبستگی افغانستان

۲ اسد ۱۳۹۳ (۲۴ جولای ۲۰۱۴)

تحصن حزب همبستگی در دفاع از رضا شهابی

۲ اسد ۱۳۹۳ - ۲۴ جولای ۲۰۱۴: «حزب همبستگی افغانستان» تحصنی را مقابل قونسلگری رژیم خونخوار ایران در شهر جلال‌آباد ترتیب داده بود. در این اکسیون بیش از ۱۰۰ تن از اعضا و هواداران همبستگی به دفاع از رضا شهابی،

کارگر مبارز، و سایر دگراندیشان دربند ایران شرکت بسته بودند. تحسن‌کنندگان رژیم فاشیست «ولایت فقیه» را قاتل آزادی‌خواهان این کشور و پناهجویان افغان خواندند. در یکی از پلاکارت‌ها خوانده می‌شد: «جنایات رژیم خونخوار آخندی روی محقق، خلیلی، محسنی و دیگر چاکران واک را سیاه نگه‌می‌دارد!» و در پلاکارت دیگری چنین نوشته بود: «از خون انقلابیون اعدام‌شده ایران، خورشید آزادی و عدالت در ایران طلوع‌کردنی است!»

تحسن یک ساعت و نیم ادامه یافت. در پایان اعلامیه «حزب همبستگی افغانستان» به خوانش گرفته شد و معترضان خواستار رهایی فوری رضا شهابی شدند که در نتیجه اعتصاب غذایی ۵۰ روزه در وضعیت بد صحتی قرار دارد.



د ایران کرغیرن رژیم په وژن‌خای کی د آزادی غوښتونکو بندیانو څخه ملاتړ کوو!

چهارشنبه ۰۱ اسد ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۰۹ د افغانستان د همبستگی گوند / اعلامیې



د ایران په فاشیستی رژیم کی د حسن روحانی تر مشری لاندی د «منځ‌دریځه» سړي‌وژونکو په رامنځ ته کیدو سره، د آزادی‌غوښتونکو او روڼ‌اندو نیول، رپرول او په دارخړول په بی‌ساری توگه زیات شو. د «ولایت فقیه» وینه‌څښکونکی دستگاه چی د نابودی په حالت کی هری خواته لاس او پښی وهی د بی‌پناه افغان گډوالو د لوټ او اعدام ترڅنگ، هره ورځ د ایران شریف ولس په حق کی هم زره‌بورنونکی جنایتونه ترسره کوی او هر مخالف غږ د هیتلر په څیر ځپی.

رضا شهابی، یو مبارز زیارکښ دی چی د خپلو صنفی کړنو په خاطر، له ۴ کالو څخه راپدیخوا د آخوندي رژیم په بند کی د جسمی او روحی رپرولو لاندی ژوند کوي. هغه په ډیره میرانه له ۵۰ ورځو راپدیخوا د ډوډی په نه خوړلو اعتصاب لاس پوری کړی او په ډیر بد حالت کی اوسیری. د خامنه‌ای-روحانی کرغیرن رژیم د هغه انسانی غوښتنو ته هیڅ پام نه کوي.

د «ولایت فقیه» وېجاړونکی رژیم په دی آند دی چی د ایران آزادی‌غوښتونکو او بنسټ‌پالی ضد بچیانو په رپرونه او وینه‌بهدو سره کولای شي هغوی وډار او آرام کړي ترڅو له خپلو کړنو لاس واخلي. ولی د اسلامي جمهوري د ځناورتوب تاریخ ددی شاهد دی چی نه د رضا شاه مستبد رژیم وکولای شو، او نه به دا د منځنیو پیریو رژیم وکولای شی چی د ایران په زرگونه نارینه او ښځینه پوه او اتلو په رپرونه د آزادی‌غوښتنی چیغه د خسرو گل‌سرخی او سعید سلطانپور او ندا او فرزاد کمانگر او شیرین علم‌هولی په ځمکه کی آرامه کړي.

زمونږ د خلکو خپلواکی، آزادی او دموکراسی غورځنگ پرته له دی چی د ایران ځناور رژیم پر وړاندی چی له څو کلونو راپدی‌خوا د ایران غم‌خپلي آسمان د روښانه ستورو په وینو کی مستی کوی، په قاطع توگه ودریری، بیکاره، سست او ضربه لیدونکی دی. دغه د ناپوهی او ظلم دستگاه چی په سیمه کی د سرطان په دانه بدله شوی، زمونږ د خلکو

د وځاری او بربادی سبب هم ده چی له څلورو لسيزو راپدېخوا زمونږ د ملت ځناورو، ناپوهه او ارتجاعی دښمنانو ته وسله ورکوی او له هغوی څخه ملاتړ کوي.

د «افغانستان د همبستگی گوند» د رضا شهابی، نسرين ستوده، مجید توکلی او د هغه هیواد په سلگونه نورو سیاسی بندیانو مقاومت ستایي او په بیره د آخندی وژن‌خای څخه د هغوي خوشی کیدل غواړي. مونږ د زره له کومی د ایران له آزادۍ غوښتونکي غورځنگ او آزادۍ غوښتونکو بندیانو څخه ملاتړ اعلانو او د هغوي مقاومت او نه تسلیمیدل زمونږ د مبارزی هیله او د ظلم، خواری او روزواکی په دی نړۍ کی د انساني غرور او شرف نښه ده.

**د روډ پر رضا شهابی او د ایران سړي وژونکی رژیم په بند کی پر ټولو مبارزانو!
ژوندی او روښانه دی وی د ایران او افغانستان آزادۍ غوښتونکی جگړه!**

د افغانستان د همبستگی گوند

۱۳۹۳ کال د زمري ۲ نیټه (۲۰۱۴ کال د جولای ۲۴ نیټه)

دفاع از
رضا شهابی
و تمامی مبارزان
اسیر در کشتارگاه
رژیم پلید آخندی
ایران را وظیفه
خود می‌دانیم!

حزب همبستگی افغانستان
HAMBASTAGI.ORG

نامه ی سندیکاهای فرانسوی به علی خامنه ای

آیت‌الله سید علی خامنه ای ، رهبر جمهوری اسلامی ایران

خیابان کشور دوست، تهران، جمهوری اسلامی ایران

پاریس 4 ژوئیه 2014

ضرورت مبرم انتقال رضا شهابی به بیمارستانی خارج از زندان

سازمان های سندیکائی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، توجه شما را نسبت به وضعیت رضا شهابی، عضو هیئت مدیره ی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که از ماه ژوئن 2010 به علت فعالیت برای احقاق حقوق کارگران زندانی است، جلب می کند.

در تاریخ اول ژوئن 2014 رضا شهابی از بخش 350 زندان اوین در تهران به زندان رجائی شهر در کرج منتقل شده است. زندان اخیر محل نگهداری هم زندانیان سیاسی است و هم بزهکاران عادی که افراد شرور و خشن در میان آن ها فراوانند. رضا شهابی از همان اولین روز انتقالش در اعتراض به این عمل برای چهارمین بار دست به اعتصاب غذا زده است و خواستار بازگشتش به زندان اوین است. لازم به یادآوری است که مصوبات سازمان ملل در رابطه با رفتار با زندانیان، بر جدائی محل نگهداری زندانیان نامتجانس تأکید می ورزد.

وضعیت سلامتی رضا شهابی بی اندازه نگران کننده است. پزشکان بیمارستان خواستار انتقال فوری او به بیمارستانی در خارج از زندان شده اند که در صورت مخالفت با آن، خطر فلج شدن نیمه چپ بدنش بسیار است. ما از شما می خواهیم که اقدامات لازم برای انتقال فوری او به بیمارستانی در خارج از زندان و دسترسی به معالجات لازم را فراهم آورید.

با توجه به وخامت وضعیت شهابی، چنانچه مقامات دولت ایران قادر به تضمین معالجه شهابی در داخل ایران نمی باشند، سازمان های سندیکائی فرانسوی او را برای معالجه به فرانسه دعوت می کنند. در چنین موردی ما از مقامات دولت ایران می خواهیم که به او اجازه سفر به فرانسه را بدهد. ما سندیکاهای فرانسوی درمان وی در یک بیمارستان مناسب را تقبل خواهیم کرد.

نامه ی سندیکاهای فرانسوی به رضا شهابی

رضا شهابی عزیز،

سازمان های سندیکائی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، ما اعضای "کلکتیو فرانسوی سندیکائی برای ایران" نگران سلامت شما بوده، وضعیت سلامتی، اوضاع زندان و به ویژه شرایط غیر انسانی ای که در آن به سر می برید را با دقت پی می گیریم. وخامت سلامتی شما پس از 35 روز اعتصاب غذا شدیداً ما را نگران کرده است.

سلامت جسمانی شما شرط اولیه برای ادامه مبارزه جهت احقاق خواست های بر حق کارگران شرکت واحد است. اعتصاب غذای شما بنقد زنگ خطر سلامتی شما را نزد افکار عمومی دنیا به صدا درآورده است. ما بر این باوریم که جدیت و صمیمیت اقدام شما، وزنه پیام شما به جامعه بین المللی را دو چندان کرده است.

ما هم به نوبه خود به حمایت از پیکارتان برای کسب حقوق ابتدائی سندیکائی ادامه داده و از مقامات دولت ایران آزادی فوری را شما مطالبه می کنید.

پاریس 4 ژوئیه 2014

CFDT : Philippe Réau preau@cfdt.fr + 33 6 48 36 03 93

CGT : Ozlem Yildirim o.yildirim@cgt.fr + 33 1 55 82 82 83

FSU : Michelle Olivier michelle.olivier@snuipp.fr + 33 6 15 62 15 10

Solidaires : Alain Baron contact@solidaires.org + 33 1 58 39 30 20

UNSA : Emilie Trigo emilie.trigo@unsa.org + 33 6 21 40 16 50

بیانیه شماره 75 – موافقت نماینده دادستان با مرخصی پزشکی رضا شهابی – پایان اعتصاب غذای رضا

در 50 امین روز اعتصاب غذای رضا شهابی در روز یکشنبه 29 تیر ماه آقای خدابخشی نماینده ی دادستان تهران با مراجعه به بیمارستان بر بالین رضا حاضر شد و با توجه به وخامت وضع جسمی رضا از جمله خونریزی شدید معده، لاغری، بی حسی و مشکلات عدیده ی جسمی در حضور رضا و همسرش اعلام نمود که با مرخصی پزشکی رضا موافقت می کند و از رضا نیز درخواست نمود که اعتصاب غذای خودش را متوقف نماید.

رضا شهابی با توجه به اظهارات نماینده ی دادستان مبنی بر آغاز روند صدور مرخصی پزشکی از ابتدای ساعات اداری پیش رو، که در واقع اجرایی شدن خواسته های وی می باشد اعلام نمود نظر به درخواست اکید دوستان، فعالین کارگری، تشکل ها و نهادهای داخلی و خارجی و نیز درخواست همسر و اعضای خانواده اش در 50 امین روز اعتصاب (از ساعت 7 عصر یکشنبه 29 تیرماه 93) دست از اعتصاب غذا بر می دارد؛ اما چنانچه کوچکترین ممانعت یا تغییری در روند اجرایی شدن خواسته هایش ایجاد گردد مجدداً اعتصاب غذای خود را از سر خواهد گرفت و تن به عمل جراحی نیز نخواهد داد.

در صورت صدور مرخصی پزشکی، رضا شهابی با عمل جراحی که باید هر چه سریعتر انجام گیرد موافقت خواهد نمود. پزشکان معالج با توجه به اوضاع جسمی رضا انجام عمل جراحی و نیز مرخصی پزشکی بعد از عمل را برای سلامتی رضا و خروج وی از این بجران و وخامت جسمی ضروری اعلام کرده اند.

کمیته دفاع از رضا شهابی

29 تیرماه 1393

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com
www.k-d-shahabi.blogspot.com



«حزب همبستگی افغانستان»
تحصنی را در دفاع از رضا
شهابی، کارگر مبارز، و
دیگر آزاداندیشان دربند ایران
بر گزار می نماید.
با ما پیوندید.

مکان تجمع: روبروی قوتسلگری ایران، شهر جلال آباد.
تاریخ: پنجشنبه، ۲ اسد ۱۳۹۳ - ۲۴ جولای ۲۰۱۴
زمان: ۰۹:۰۰ صبح
شماره تماس: ۰۷۰۰۲۳۱۵۹۰

[Facebook.com/Hambastagi](https://www.facebook.com/Hambastagi)
www.hambastagi.org

قطعه‌نامه

ما شرکت کنندگان در دومین اجلاس " آی سی اُ جی " (هیئت هماهنگی بین‌المللی برای تدارک اولین کنفرانس جهانی کارگران اتومبیل سازی) از 7 تا 12 ماه مه 2014 در بارسلونا، اطلاع یافتیم که در اول ماه مه در تهران (ایران)، بسیاری از فعالین کارگری دستگیر و زندانی شده‌اند، از جمله جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی که خبری از آنها در دست نیست.

اول ماه مه یک روز بین‌المللی کارگران است. هر کارگری حق دارد در این روز جشن بگیرد، اعتراض کند و تظاهرات نماید.

ما تهاجم وحشیانه مأمورین جمهوری اسلامی ایران به کارگران و محدود کردن حقوق آنها را محکوم می‌نماییم و خواهان آزادی فوری تمامی فعالین کارگری زندانی در ایران هستیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی

بارسلونا، 8 ماه مه 2014

شرکت کنندگان در دومین اجلاس " آی سی اُ جی "

ICOG Internationale Koordinierungsgruppe

هیئت هماهنگی بین‌المللی

پیام همبستگی به سمینار اتحادیه های کلکتیو فرانسوی

همکاران و رفقای عزیز،

ما به عنوان کمیته هماهنگی بین‌المللی برای تدارک اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی جهان، در اجلاس 7 تا 12 ماه مه خود در بارسلونا از برگزاری سمینار مهم شما مطلع شدیم. در چارچوب همبستگی بین‌المللی کارگران با خوشحالی به شما درود فرستاده و موفقیت های زیادی برای کارتان آرزو می‌کنیم.

ما بسیار خوشحال خواهیم شد که به یاری شما بتوانیم با اتحادیه های بیشتری در فرانسه تماس برقرار کنیم. همبستگی عملی در مبارزه علیه بستن کارخانه پ اس آ در آلنای، مانند مبارزه علیه بستن کارخانجات اُپل در بوخوم مهمترین نقطه اعتلای کار مشترک ما بود.

در کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی در اکتبر 2015 ما می‌خواهیم یک گام بزرگ دیگر در هماهنگی مبارزات کارگران اتومبیل سازی به پیش برداریم، ما همچنان در باره کار تدارکات، شما را مطلع خواهیم کرد.

ما همچنین خوشحال خواهیم شد که از نتایج سمینار شما گزارشی دریافت کنیم.

با درودهای همبستگی

دومین اجلاس تدارکاتی کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی

icog@iawc.info

از یاد مبر!

سوما!

از یاد مبر

آنهایی را که در آغوشت

خفته اند

و

به خاطر بسیار

سوگواران را

با کلمات درشت بر پیشانیت بنویس

اینجا مردانی آرمیده اند

در دل کوه

مردانی

با دستهای بزرگ

دستهایی شگفت

کلاههای ایمنی شان را

بالاحترام بردار

شمعها روشن کن

و از یاد مبر

آن آتش جهنمی را

چه کسانی بر پا کردند

می گویند

همه جا از این اتفاقها می افتد

ومی خواهند فراموش کنی

بر پیشانیت بنویس

سوما!

واز یاد مبر

مینا روشن - اردیبهشت 93



متشکل شویم، سازماندهی کنیم!

پیام به

فعالین کارگری دربند

زندانیان سیاسی و خانواده های آنان

مبارزه طبقه کارگر در رسیدن به آزادی و برابری، برای سرمایه داران بی نهایت آزردهنده است و از این روست که بمنظور غلبه بر پریشانی خود از یک سو بر فشار به فعالین کارگری می افزایند، اخراج از کار و شکنجه و دستگیری روزمره می شود و از دیگر سو با دست یازی به انواع نیرنگ ها تلاش در جدائی فعالین طبقه از توده کارگری و جلوگیری از تشکل مستقل و وحدت انقلابی کارگران دارند. اما پایداری فعالین کارگری زندانی در ادامه مقاومت، زخمی است بر پیکر فاسد سرمایه و حاکمان و حامیان آن و نشان از رشد آگاهی و تعهد طبقاتی این فرزندان دربند طبقه کارگر دارد که میدانند. و میخواهند، دشمنان طبقاتی را می باید در تمامی زمینه ها به چالش کشید. پیامها و رهنمودهای این رزمندگان طبقه کارگر نشان از پی بردن به نیرنگها و گزافه گوئیهای حاکمان ریز و درشت و دستهای دراز شده سرمایه به درون جنبش طبقه کارگر دارد. پیام شما مبنی بر ادامه مبارزه بی پروا و بدون سازش طبقاتی برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری، تلاش برای زدودن استثمار و ستم، غلبه بر پراکندگی و گروه گرایی خدمت گزاران طبقه کارگر و تکیه بر نیروی خود و قطع امید از «خیرات» و «ذکات» دشمنان طبقاتی می باید سر لوحه فعالیت های کارگری باشد. ما این خواست شما را ارزشمند میدانیم و همراه و همگام باشیم هستیم.

در رژیم‌های سرکوبگر، پیگردوزندان تنها در مورد فعالین کارگری نیست. هر صدای مخالف سیاسی خطر دارد و زندان را پاسخگوی آن میدانند. هدف از ایجاد زندان و شکنجه، درهم شکستن و خردکردن

روحیه، جسم و آرمان مبارزین، آزادیخواهان و مخالفین میباشد. زندانیان سیاسی در سرتا سر جهان بخوبی میدانند که هر چه مبارزه جدی‌تر و مخالفت‌ها گسترده‌تر می‌گردد، اعمال آزار و شکنجه در مورد آنان دقیق‌تر، پیچیده‌تر و وحشیانه‌تر صورت می‌گیرد. فرمان به بندکشیدن و کشتن هر آن کس که باما نیست در تمامی طول حکومت ننگین جمهوری سرمایه اسلامی در همه جاطنین داشته است. تاریخ دهه‌ی شصت و هفتاد سرا پا سیاه حکومت تا بدندان مسلح سرمایه اسلامی با خون هزاران انسان کمونیست، انقلابی و آزادیخواه نوشته شده است. این جنایات ضدبشری جمهوری اسلامی کم و بیش در تمامی حیات این رژیم فاسد ادامه داشته است. از زمان ریاست جمهوری روحانی به علت ترس از شرایط بشدت بحرانی جامعه ایران، شمار اعدامها و دستگیریها بطور غیر مترقبه‌ای افزایش داشته است. حمله سازمان یافته و وحشیانه اخیر به بند سیصد و پنجاه اوین نه تنها چهره از توحش هر چه بیشتر این رژیم برمی‌دارد بلکه گواه این است که مزدوران سرمایه جمهوری اسلامی از بحرانی که جامعه رافرا گرفته است و از مقاومت و افشاگریهای زندانیان سیاسی بشدت در وحشت هستند.

مرور هر لحظه و زمان فجایع جنایتکاران جمهوری اسلامی، دردآور و تکان دهنده است. در این سه دهه سران و مزدوران حکومتی مرتکب آن چنان جنایاتی شده اند که کرحتی زخمهای آنها تا ابد بر پیکر مادران و خانواده‌های جانباختگان و زندانیان سیاسی و همچنین بر جامعه‌ی آزادیخواه سنگینی خواهد کرد.

در سه دهه گذشته، خانواده‌های زندانیان سیاسی و همچنین انسانهای آزادیخواه با مبارزه بی‌امان خود و تجمع در جلوی زندانها و منعکس کردن اخبار آن در رسانه‌ها کوشش نموده اند جنایات رژیم را افشاگری نموده و آزادی عزیزان خود را خواستار شوند. مادران و خانواده‌های زندانیان سیاسی از توهین و تهدید و فشارهای حکومتی باکی نداشته و ندارند و بار وحیه‌ای رزمنده و مصمم ترو با ایستادگی بیشتر در مقابل سرکوبگران رژیم ایستاده اند. یکی از مکانهای اعتراضی و حضور جمعی مادران و خانواده‌ها، خاوران میباشد. گلستان خاوران، نماد آزادیخواهی و رادیکالیسم است، نماد آرزوهای تحقق نیافته انقلابیون و چندین نسل است که شجاعانه در برابر موج و حاکمیت ارتجاعی به مبارزه برخاستند. تجمع این عزیزان در این مکان، لرزه برتن رژیم حاکمان جنایتکار سرمایه انداخت، تا جائیکه بانواع فشار و حیلۀ تلاش کرد از حضور خانواده‌ها در این مکان جلوگیری نماید. اما شما با اتحاد و همبستگی تان توطئه مزدوران را خنثی نموده‌اید و به آنها نشان داده‌اید، در هر محل و مکانی از خاوران و از پارک لاله تا جلو زندانها، راه فرزندان خود را با مقاومت و مبارزه ادامه داده‌اید و همچنان خواهید داد. اخیراً در حمله وحشیانه مزدوران رژیم به زندانیان بند سیصد و پنجاه زندان اوین، شما برای یکبار دیگر به

عاملان و عامران این جنایت سازمان یافته و همچنین جهانیان نشان دادید که فرزندان تنها نیستند ، شما صدای رسای آنها هستید و این صدا را برای آزادی زندانی سیاسی و افشای جنایات رژیم به همه جامی رسانید.

ما، شرکت کنندگان در هفتمین گرد هم آئی حضوری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج کشور به شما فعالین مبارز کارگری در بند ، شما زندانیان سیاسی مقاوم و خستگی ناپذیر ، شما مادران و خانواده های جانبختگان زندانیان سیاسی که با استواری و مقاومت خود، سنگر آزادی را پاس می‌دارید ، درود میفرستیم و همراه و همگام با شما برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و فعالین کارگری در بند، همچنان مبارزه خواهیم کرد.

نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

هفتمین گردهمایی نهادهای همبستگی

با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور



مصوبات

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

خارج کشور

الف: "اشتراکات ما"

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

ب: "ارگان ها"

یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهدہ دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می‌گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می‌آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم‌گیری برعهده اولین مجمع عمومی می‌باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می‌آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت می‌گیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی و ارتباط با گرایش‌های چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می‌شوند. رفقای دعوت شده می‌توانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه در مباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیت مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

دو: هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و پیگیری مصوبات، برنامه‌ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب می‌کند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم می‌کند. سایر اعضای نهادها نیز می‌توانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست‌ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می‌شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه‌هایی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راساً مجری هیچ برنامه‌ای نیست بلکه می‌کوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه‌های کاری فعالیت‌های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پانین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

پ - ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید.

2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.

3 - نهادها در سطح محلی کاملا مستقل بوده و میتوانند راسا و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهایی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.

5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 - هیچ نهادی حق ارانه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 - نهادها موظف به ارانه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.

8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفراد و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمی کنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نهادها ی همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجاد شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفردین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این جمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.

9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو و هر نهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلا فاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

ریشه های جنبش کارگری

جنبش کارگری بی بوته نیست!

از زمانی که حاج حسن اصفهانی (امین الضرب) پیلهور و صراف سابق، بازرگان بزرگ بین‌المللی و کارخانه دار و سرمایه گذار بعدی و خدمتگذار دربار قاجار و اشراف در سال 1885 میلادی اولین کارخانجات ابریشم ریسی در رشت و چینی سازی در تهران و ریسندگی و پشم بافی در قم و رفسنجان و کرمانشاه و معادن در مازندران و کرمان و ... را در ایران تأسیس کرد، یعنی حدود 130 سال پیش و با اجیر کردن و استثمار صدها کارگر، نطفه سرمایه داری را در ایران بنا گذاشت، اعتراض، مبارزه و جنبش کارگری در ایران نیز آغاز شد و پا گرفت و رشد کرد.

تاریخ، بسیاری از این مبارزات و جنبش‌ها و فعالین به نام آن را ثبت کرده است، که این اسناد می‌توانست و می‌تواند پشتوانه تداوم مبارزات و رشد جنبش باشد. اما سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آنها با درک این خطر و از هراس رشد و تداوم جنبش کارگری، علاوه بر تحریف تاریخ و سانسور و جلوگیری از ثبت و نشر این اسناد، با سرکوب و حشیانه مداوم و اعدام فعالین کارگری و در مواردی قتل عام خیزش‌های کارگری، سعی در محو این سوابق از صفحات تاریخ نموده تا با انقطاع نسل‌ها از پاگیری و اعتلاء مجدد جنبش کارگری جلوگیری کرده و نسل جوان کارگران را ناچار به شروع کردن از صفر بکنند. زهی خیال باطل!

بخشی مهم از این اسناد از دست رفته زندگی نامه، تجارب و آموزش‌های عملی صدها فعالین برجسته جنبش کارگری و هزاران فعال جانب‌باخته گمنام این جنبش‌هاست. یادنامه آنها نه به منظور مجلس ختم و فاتحه خوانی و مراسم ترحیم سنتی است، بلکه علاوه بر قدردانی و تجلیل از خدمات و مبارزاتشان در خدمت جنبش کارگری و علاوه بر آموختن از تجارب، آموزش‌ها، رهنمودها و دست‌آورد هایشان در انطباق با شرایط امروز، از یکسو مقابله و مبارزه با تلاش‌های دشمنان طبقاتی برای محو گذشته این جنبش و کوشش آنها در انقطاع نسل‌ها، با حفظ و احیاء و تثبیت این سوابق و اسناد است و از سوی دیگر اثبات این واقعیت که جنبش کارگری بی ریشه نیست!

با تجلیل از این تاریخ پرافتخار و با یاد عزیز جان باختگان این جنبش، ما این ستون را با تأکید بر اهداف فوق به معرفی این اسناد همیشه زنده و جاوید جنبش کارگری اختصاص می‌دهیم و می‌کوشیم در درجه اول به فعالین گمنام بپردازیم و از این‌رو از همه شما خوانندگان عزیز دعوت و تقاضا می‌کنیم دست ما را بگیرید و برای تداوم این امر مهم ما را یاری رسانده و هر نوع اطلاعات یا اسنادی در این زمینه دارید و یا اشخاصی را می‌شناسید در اختیار ما گذاشته و به نوبه خود در این کار بزرگ سهیم شوید.

درود بر تمامی جانب‌باختگان و درگذشتگان مبارز جنبش کارگری

احمد احمدی بوسجین



احمد احمدی بوسجین نیز چون صدها کارگر دیگر از قربانیان جنگ ارتجاعی ایران و عراق بود که در دیماه سال 59 در جبهه آبادان به خون نشست.

او کارگر کارخانه ایران ترانسفو زنجان بود، کارگر مبارزی که به آرمان والای طبقه خود و دیگر زحمت کشان عشقی بی امان و شوری بی پایان نشان می داد و لحظه ای در ارتقاء مبارزات کارگران کارخانه و آگاهی طبقاتی آنان از پای نمی نشست. احمد در سال 1324 در خانواده ای متوسط در بوسجین از توابع اردبیل به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه اش را در اردبیل به پایان رسانید و سپس برای طی دوران سربازی عازم روستاهای کردستان شد. دورانی که برای او با آشنائی هرچه عمیق تر نسبت به ستم طبقاتی و ملی خلق مبارز کرد، همراه گشت و در پی همین شناخت بود که او همواره با دلی پر شور از جنبش انقلابی خلق کرد و مقاومت قهرمانانه آن در برابر سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی دفاع می نمود.

صمیمیت و تحرک تحسین انگیز او در مبارزات درون کارخانه و دفاعش از منافع کارگران پیوسته زبانزد همه بو. زندگی و رزم آگاهانه و فداکارانه رفیق احمد، تجلی مبارزات طبقه ای است که رسالت رهایی خویش و ستم دیدگان تاریخ را برعهده دارد و پرچم خونین نبرد طبقاتی را تا قله رهایی بشریت از هرگونه ستم سیاسی و طبقاتی و تا طلوع خورشید بهروزی انسان ها، بر دوش می کشد.

تنها راه مقابله با اعمال ضد کارگری متشکل شدن در تشکل کارگری است

نمونه های از اعمال ضد کارگری :

رد بیمه بیکاری برای کارگران و جوانان جویای کار توسط شورای نگهبان .

یعنی صدور حکم گسترش گرسنگی ، بی سوادی ، فساد ، فحشا ،
اعتیاد و طلاق برای خانواده میلیون ها کارگر توسط شورای نگهبان :

در یکی از ثروتمند ترین کشور جهان ، با رتبه دهم معدن دنیا ، بعنوان بهشت طبقه سرمایه داری و دولت مولتی میلیاردر ها با تصویب دستمزد های یک چهارم زیر خط فقر ، رواج قرار دادهای سفید امضا و موقت و با نا بودی

امنیت شغلی و نا امنی اجتماعی ، حذف یارانه ها ، صعود نجومی و هر روزه قیمت مایحتاج روزمره مردم ، خصوصی سازی و یا صحیح تر بخوانید خودمانی سازی کردن امکانات ملی - مردمی در حوزه های تولید ، بهداشت و درمان ، آموزش و تحصیلات ، ورزش و تفریحات و تبدیل این حوزه ها به کیسه پول مافیای ثروت و قدرت، بر داشتن گمرکات مرزی ، واردات کالاهای بنجل توسط رانتخواران دولتی و خودی ، نابودی تولیدات داخلی و بیکار سازی و بینوا سازی میلیون ها کارگر ، حذف تمامی قوانین حمایتی از قانون کار و دیگر قوانین و کلا" نابودی تامينات اجتماعی و دیگر سیاستهای ضد کارگری، طبقه 50 میلیونی خانوار کارگری را در فلاکت عمومی و فقر و تنگ دستی غوطه ور ساخته است ، مردم توان بلند شدن از زیر بار سنگین تورم افسار گسیخته که رتبه دوم جهان را نسیب ایران کرده را ندارند ، در چنین شرایطی و برای حفظ ادامه بهره کشی و غارت مولتی میلیاردر ها ، دولت سرمایه داری با نقض آشکار قوانین مورد تصویب و تأیید خود در سطح جهانی و ملی مانند اصل 26 و 27 قانون اساسی ، مقاله نامه های 98 و 87 سازمان جهانی کار در آزادی تشکل مستقل کارگری و آزادی حق اعتراض و مذاکره و تجمع بصورت اعتصاب و راهپیمایی ، طبقه کارگر را که مولد تمامی ثروت های جامعه است ، از تنها وسیله دفاع قانونی خود در مقابل یکه تازیهای و هجوم نا جوانمردانه به هستی خانواده اش در عرصه نان، مسکن ، کار ، حق تحصیل و امنیت شغلی ، دستمزد شایسته محروم ساخته است .

در ادامه سیاست فوق، با سرکوب تمامی تشکل های سندیکایی و ... ، اخراج ، دستگیر و زندانی کردن فعالین کارگری، عملاً" کشور را به گلستان و بهشت سرمایه داران و جهنم و مرگ تدریجی برای کودکان و کارگران تبدیل کرده است .

با این اوصاف، عدم پذیرش شکایت کارگران به خاطر 6% پایین بودن حداقل دستمزدها نسبت به نرخ تورم سال نود و سه، از طرف دیوان عدالت اداری و رد دو باره لایحه بیمه بیکاری توسط شورای نگهبان با بهانه اینکه "ایجاد بار مالی می کند"، با توجه به اینکه قانون بیمه بیکاری در عقب مانده ترین کشور ها نیز وجود دارد، به چه معنای است؟ (با چنین رویکرد شورای نگهبان به قانون و حمایت از سرمایه داری همین روز ها باید در انتظار تحمیل قانونی باشیم که مردم نباید نان و آب بخورند چون " ایجاد بار مالی می کند")

شورای نگهبان با رد غیر قانونی طرح بیمه بیکاری، باعث می گردد جوانان جویای کار از بیمه بیکاری محروم شوند، این شورا با رد لایحه فوق ضمن اینکه به اثبات میرساند که دشمن جوانان و کارگران است در همین حین مرتکب جرم زیر پا گذاشتن قانون می شود، ما با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوئیم حکومت جمهوری اسلامی حتی قوانین مورد تصویب خودش را نیز رعایت نمی کند، در قانون اساسی بخشی از وظایف شورای نگهبان را به صورت زیر بیان می کند:

وظایف و اختیارات شورای نگهبان: ...

ب- وظایف و اختیارات مجمع فقها و حقوقدانان:

۱- پاسداری از قانون اساسی ...

در اصل 29 قانون اساسی که شورای نگهبان وظیفه پاسداری از آن را دارد آمده است: "بر خورداری از تامین اجتماعی از نظر باز نشستگی ، بیکاری ، پیری ، از کار افتادگی ، بی سرپرستی ، در راه ماندگی ، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمان و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی ...". و دولت را مکلف کرده طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم ، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک به یک افراد کشور تامین کند" ، همچنین در اصل سوم بند 12 که می گوید: "پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت اتخاذ رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه ، مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه..." و همچنین در فصل

سوم قانون اساسی (حقوق ملت) در مورد " ... جان و مال و حیثیت ، مسکن ، بهداشت ، درمان و تحصیل رایگان ، کار شایسته ... " و غیره برای عموم می باشد می بینیم که شورای نگهبان نه تنها در جهت اجرایی شدن این اصول قدم بر نمی دارد بلکه خودش این اصول را زیر پا گذاشته مرتکب عمل ضد قانون می شود.

آیا شورای نگهبان به این مسئله توجه دارد که تنها کسانی که مالیات به موقع پرداخت می کنند، فقط کارگران و مزد بگیران هستند، نه سرمایه داران، نه کارخانه داران و نه بازاریان و غیره ... بنا براین اگر مالیات و بیمه های دریافتی از کارگران و مزدبگیران را برای خود کارگران و خانواده های آنها هزینه کنند ، کارگران هیچ نیازی به بذل و بخشش و ترحم و مصوبه های حمایتی عوامل سرمایه داری نخواهند داشت، در حالی که منابع مالی انباشت شده از محل مالیات های دریافت شده از کارگران را بین حاکمان ، آفازاده ها و سرمایه داران به شکل های دستمزد ها و پاداشهای بالا ، رانتها و اختلاس ها و دزدی های کلان تقسیم می کنند نزدیکترین مثال ها عبارتند از اختلاس از سازمان تامین اجتماعی و اختلاس ها در بانک ها و ... است.

چطور بودجه برای دزدی علنی میلیاردی دولتی ها دارید؟

چطور بودجه برای دادن وام های میلیاردی و پشت سر هم بدون اینکه وام قبلی تسویه شده باشد آنهم بدون تضمین و پشتوانه برای حکومتی ها ، خودی ها و آفازاده ها دارید؟

ولی برای کارگران بعد از ماه ها دوندگی و فراهم کردن شرایط بانکی(ضامن و وثیقه های لازم) برای اخذ وام و با معرفی نامه اشتغال بکار سه نفر بعنوان ضامن برای دریافت یک میلیون ودیعه مسکن ، موفق به دریافت وام نمی شوند و هر بار مراجعه برای دریافت وام رئیس بانک اعلام می کند که هنوز اعتبار و بودجه مورد نیاز برای پرداخت وام وصول نشده است؟

آقایان عضو شورای نگهبان چرا در این موارد سکوت اختیار می کنید؟

آقایان عضو شورای نگهبان چطور در مقابل حیف و میل بیت المال و حراج کارخانجات سازمان تامین اجتماعی که از طریق مالیات های کسر شده بطور مستقیم از کارگران که عرق جبین کارگران است خریداری شده اند ، توسط اقا زاده ها و خودیتان که این عمل دزدی مستقیم اموال کارگران است مهر سکوت بر لب و دهانتان می زنید؟

ولی وقتی نوبت به بیمه کارگران بیکار می رسد که بعنوان حق قانونی کارگران و جوانان جویای کار است و بر اساس اصول 3 و 29 حق قانونی است، قانون اساسی را دست آویز قرار می دهید؟ آنهم با علم براینکه بدون این حق قانونی مقوله های که با وجود جمهوری اسلامی هر روز گسترده تر می شوند چقدر مردم ، بخصوص کارگران را گرفتار کرده اید؟

مانند فقر ، گرسنگی ، اعتیاد ، فساد و فحشا ، طلاق ، جرم و جنایت و ... در جامعه گسترش می یابند ، که این گسترش یافتن محصولی از موجودیت جمهوری اسلامی است.

چطور نزدیک به 600 نفر آفازاده 150 هزار میلیارد تومان پول بانکها را با گردن کلفتی پس نمی دهند و باعث اختلاف در روند اقتصادی ، بیکاری و فقر و گرسنگی میلیون ها خانواده ی کارگری می شوند؟! ولی با آنها با احترام بر خورد می کنید ؟

اما دو کودک کارگری که بخاطر گرسنگی و خرید دارو برای مادر بیمارشان مجبور به سرقت 70 هزار تومان می شوند به دستور دادگاه های شما به دار آویخته می شوند ؟ این دو کودک درست به بدستور همان حکومت و همان دادگاه های که اختلاس و دزدی کنندگان حکومتی را کاملاً " ازاد گذاشته اند ، به دار آویخته می شوند.

آیا این است نگرهبانی از اجرا شدن قانون اساسی و یا دیگر قانون ها ؟

اما سوال اساسی اینکه در مقابل این همه تبعیض و نا عدالتی و فقر و نابرابری چاره خانواده ی 50 میلیونی کارگران چیست؟

چاره ما کارگران در مقابل سیاست های غارتگرانه و تشدید بهره کشی و تزریق جهل و فقر و گرسنگی دولت سرمایه داری ، وحدت و همبستگی و تشکیل تشکل های مستقل کارگری است ، اخیراً هم به نقل از خبرگزاری های مورخ 16 تیر 93 روزنامه شرق متوجه شدیم که برای تغییر شرایط استفاده از بیمه بیکاری تصمیماتی گرفته شده است که شرایط استفاده از بیمه بیکاری را برای کارگران اخراجی سخت تر می کند.

شیوه نامه جدید استفاده از بیمه بیکاری!!!

کسانی که شیوه نامه جدیدی به منظور نحوه استفاده از بیمه بیکاری تدوین می کنند انهم به دور از چشم کارگران و نمایندگان واقعی آنها ، معتقد هستند که افراد باید همیشه آماده به کار باشند و در صورت پیشنهاد یک شغل جدید بدون توجه به نوع و کیفیت و شرایط آن ، سریعاً آن را پذیرفته و مشغول بکار شوند، آشنایی کامل به قوانین جاری و مادر در کشور ندارند . اصل 28 قانون اساسی می گوید: " هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست ، برگزیند " و هم چنین اصل 43 قانون اساسی می گوید: " برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیاز های انسانی در جریان رشد ، با حفظ آزادی او ... " و همچنین بند 4 این اصل به صراحت بیان می کند: " که رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری ... " . با استناد به این مواد مشخص می شود که افراد فوق هیچ گونه آشنایی به قانون ندارند و بدون در نظر گرفتن منافع و آزادی کارگران و عدم آگاهی به قوانین و حقوق صد در صدی ملت دست به تدوین چنین شیوه نامه های ضد کارگری و ضد انسانی می زنند. (باید دست این افراد از حوزه و عرصه قانون گذاری کوتاه شود.)

آقایان عضو شورای نگهبان شما اگر قانون گذارید؟ شما اگر مفسر قانون هستید؟ شما اگر شورای نگهبان قانون اساسی هستید؟ شما اگر حقوق دان هستید؟ شما اگر واقعا این ها که ادعا می کنید هستید؟ فکر می کنید همه ی اینها هستید ؟ پس چگونه است که نمی توانید ببینید یا متوجه شوید که شیوه نامه فوق تمامی اصول و مواد قانون اساسی که شما قرار است نگهبانش باشید نقض کرده و زیر پا می گذارد؟ و شما کتکتان هم نمی گزد ؟ این چگونه نگهبانی، انجام وظیفه در قبال دستمزد های هنگفتی که از دارای و ثروت مردم می گیرد هست؟ آیا وظیفه شما این نیست که در قبال دریافت دستمزد های هنگفت از قانون اساسی نگهبانی کنید ؟ یا حداقل پس از 36 سال اعلام کنید که جمهوری اسلامی از اجرایی کردن قانون اساسی خودش ناتوان است؟ تا مردم تکلیفشان روشن شود ، این وظیفه شما است که از اجرایی شدن قانون اساسی نگهبانی کنید و در صورت به وجود آمدن قوانین مخالف قانون اساسی مقابله کنید و در صورت نا توان از نگهبانی صادقانه به کارفرمای خودتان که به شما حقوق می دهد یعنی مردم اعلام کنید که از انجام وظیفه ناتوان هستید ، اما شما نه تنها از قوانین ضد قانون اساسی جلوگیری نمی کنید بلکه هر چه قانون ضد مردمی است تایید می کنید و هر چه قانون به سود مردم است رد می کنید آیا این خدمت به مردم است یا...؟ و در مقابل این ضدیت و دشمنی با کارگران و مردم حقوق های هنگفت می گیرید. راستی آن صداقتی که همیشه ازش حرف می زنید پس از 36 سال هنوز زمانش نرسیده است؟

اگر خودتان حقوق نمی دانید و بر اثر وجود قدرت و ثروت به این مقام دست یافتید باید بدانید شیوه نامه فوق کاملاً با اصول قانون اساسی مغایر است و ما کارگران به راحتی از کنار این رفتار های ضد کارگری و ضد مردمی نخواهیم گذشت و بدون اتلاف وقت نسبت به این تصمیمات ضد کارگری و برده داری نوین و سکوت شما به عنوان نگهبان قانون اعتراض خواهیم کرد و از تمامی کارگران می خواهیم در مقابل چنین حرکت های ضد کارگری دست به اعتراض بزنند و اجازه ندهند سرمایه داران با مابشری شما و دیگر دوستانتان حکومت نان کودکانشان را بزدند.

دوستان کارگر :

موارد گفته شده در بالا نمونه های کوچکی از عملکرد نیروها و مقامات قانگذار و اجرایی و قضایی حکومت جمهوری اسلامی علیه ما کارگران است و ثابت می شود که تنها راه دفاع از حقوق خودمان متشکل شدن ما در تشکل های کارگری و همبستگی طبقاتی است بنا براین ما روی مطالباتی مانند :

بیمه بیکاری و همگانی ، اشتغال دائم ، امنیت شغلی ، دستمزد متناسب با تورم ، حق ایجاد تشکل و حق اعتصاب و راهپیمایی ، حق انتخاب نمایندگان واقعی کارگری ، حق بستن قرار داد های دسته جمعی و تدوین قانون کار مترقی و برای تضمین این حقوق و دیگر خواسته هایمان که باید توسط نمایندگان واقعی خودمان باشد. با تمام توان و جانمان ایستادگی خواهیم کرد.

نمایندگان واقعی کارگران کسانی هستند که با حضور مستقیم خود کارگران و بدون دخالت کارفرما ، بدون دخالت دولت و بدون دخالت تشکل های دولتی انتخاب شده باشند. ما کارگران باید با نیروی سراسری خودمان دست به ساختن تشکل های خود بزنیم و در تشکل های سراسری کارگری گرد آیم در غیر این صورت هر گز به خواسته هایمان دست نخواهیم یافت .

رضا شهبابی : عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران

شاهرخ زمانی : عضو هیات موسس بازگشایی سندیکای نقاشان ساختمانی و تزئینات تهران

1393/4/ 17

در افشای "بسته حمایت غذایی"

کارگران در مقابل کار شرافتمندانه شان، حقوق خود را می طلبند، نه لقمه گدایی!

سیامک مؤینزاده

بعد از چند سالی پرداخت سوبسید و سپس با ترفندهایی، قطع کردن آن و اجرای پروژه طرح هدفمند کردن یارانه ها و بالاخره پرداخت یک دوره یارانه نقدی به بخشی از اقشار پائینی جامعه (که بلافاصله موجب گرانی تصاعدی قیمت کالاها و تورم بی سابقه شد) و بدنبال آن اختراع سبد کالا و توزیع ناقص و شکست خورده آن، اینک "آس" دیگری رو کرده اند که علاوه بر اهداف حقیرانه اقتصادی، حامل اهداف فرهنگی به غایت ارتجاعی است که باید هوشیارانه و قاطعانه در برابر آن

ایستاد و مقاصد خاص آن را افشاء کرد. بعید نیست این طرح پاتکی هم باشد به جناح سلطنت طلب سرمایه‌داری از قدرت ساقط شده ایران که می‌کوشد علی‌الحساب با اهداء صدهزار دلار خیراتی به آقای اسانلو، جنبش کارگری را علیه جمهوری اسلامی "تقویت" کند، تا از این گذر سوار بر این جنبش، راه رسیدن دوباره به قدرت را فراهم نماید. و جمهوری اسلامی با پروژه در دست اجرایش می‌کوشد در مقابل حواله نسبه سلطنت طلبان، نقداً تا حدودی به "غم نان" کارگران جواب گوید، تا خطر احتمالی از جانب رقیبان طبقاتی خود را خنثا کند.

"بسته حمایت غذایی" یا "سبد امنیت غذایی"، چیست و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

"اقتصاددانان" نابغه! جمهوری اسلامی عاجز از مهار تورم و بحران اقتصادی و ناتوان از جلوگیری از فقر گسترده و رو به افزایش توده‌های وسیع اقشار پائینی جامعه، این بار از انبان خود، حقه دیگری رو کرده‌اند که مستقیماً شکم مردمان را نشانه گرفته است، تا با اعطای لقمه ای نان، حداقل از گرسنگی ایشان تا حدودی جلوگیری شود. اما این بذل و بخشش "خیرخواهانه" و "نوع دوستانه" که صد البته نه از کیسه خلیفه، بلکه بخش کوچکی از میلیاردها تومان دسترنج غارت شده همین مردمان است، (*) به شیوه و ترفندهایی اعمال می‌شود که اهداف شومی را به دنبال دارد.

طبق دستورالعمل اجرایی پیشنهادی هیئت وزیران: "در مرحله اول کلیه مستمری بگیران سازمان‌های حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی، مشمول دریافت بسته حمایت غذایی می‌شوند. بر این اساس اعتبار پیش‌بینی شده برای هر نفر در هر مرحله از توزیع، 200 هزار ریال و برای هر خانوار حداکثر یک میلیون و چهارصد هزار ریال تعیین شده است." (ایسنا، 12 خرداد 1393)

می‌دانیم که مستمری بگیران این نوع سازمان‌ها، محروم‌ترین اقشار جامعه هستند که خود از قربانیان مستقیم نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایرانند. بخشی از آنان کارگران زن و مرد بی‌کاری هستند که خسته از یافتن کاری، ناگزیر برای سیر کردن شکم خانواده به چنین سازمان‌هایی روی می‌آورند، برخی دیگر معلولین و از کار افتادگان ناشی از فقدان بهداشت و درمان کافی و یا قربانیان حوادث محیط کار و فاقد بیمه‌های اجتماعی هستند که ناگزیر به این امامزاده‌ها دخیل بسته‌اند و عده‌ای هم سالمندانی هستند که عصاره تمامی نیروی کارشان در اثر سال‌ها کار و زحمت کشیده شده و دیگر ذخیره‌ای برای فروش نیروی کار ارزان خود ندارند. شیوه برخورد به این انسان‌های شریف بسیار ترحم انگیز و تحقیرآمیز است، گویا عده‌ای "خیرخواه" در راه خدا به آنها صدقه می‌پردازند و مورد اطعام قرار می‌گیرند، (بی سبب نیست که مردم این نوع سازمان‌ها را "گداخانه" می‌نامند) و در مقابل نه تنها از دعای خیر این مردمان بهره‌مند می‌شوند، بلکه مزورانه از آنان به عنوان لشکر هوادار و حتماً چماقدار در تظاهرات دولتی سوء استفاده کرده و شوربختانه بخش عظیمی از این محرومان به مدافعان و پایه‌های توده‌ای رژیم تبدیل شده‌اند. از این رو یکی از اهداف این پروژه، ضمن سیر کردن شکم‌های فوق، راضی نگه داشتن این خیل حامیان است که در مرحله اول مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند. اما اگر می‌دانستیم که هر مرحله، شامل چند ماه است، آنگاه دیده می‌شد که این حاتم‌بخشی سخاوتمندانه نقری 20 هزار تومان برای چند یا چندین ماه، حتماً به زحمت کفاف لقمه‌ای نان را خواهد داد، اما برای شکم گرسنه، همین یک لقمه هم غنیمت است.

اما اصل برنامه از آنجا شروع می‌شود که به نقل از گزارش فوق: "گروه‌های کارگری از وزارت کار خواسته بودند تا کارگران هم جزو مشمولان دریافت بسته امنیت غذایی قرار بگیرند و با ارسال نامه‌ای به وزارت کار، بر لزوم جلوگیری از حذف نام کارگران از دریافت بسته امنیت غذایی تاکید کرده بودند به اعتقاد نمایندگان تشکل‌های کارگری، کارگران به عنوان اقشار محروم و کم درآمد باید در این طرح قرار بگیرند چرا که اگر افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد فاقد کار و توان مالی هستند

کارگران با وجود داشتن کار از عهده امرار معاش و تامین زندگی بر نمی‌آیند." (همانجا - تأکید از من است).

کدام گروه‌های کارگری؟ آن نامه کجاست؟ کدام نمایندگان کدامین تشکل‌های کارگری؟ با مجهول بودن تمامی این استنادات، به روشنی پیداست که با این ترفند می‌کوشند کارگران را هم بسوی خیل آن گونه مستمری بگیران سوق دهند، به گدایی و دریوزگی وادارند تا با معتاد شدن به دریافت این گونه صدقات و خیرات، آنها را از تلاش و مبارزه برای بالا بردن سطح دستمزدهایشان و دریافت حقوق‌های معوقه-شان باز دارند، یعنی گشتن روحیه حق‌طلبی و عدالت‌جویی در کارگران و جایگزین کردن آن با تسلیم طلبی، قانع بودن، سر به زیری و وابستگی. آن هم به این شکل که گویا کارگران خود خواستار چنین صدقاتی هستند و "نمایندگانشان" چنین مطالبه کرده اند، تا کسی بو نبرد که چه خواب شومی برای کارگران دیده‌اند. ضمن این‌که کسی پاسخ نمی‌دهد که "کارگران با وجود داشتن کار" چرا "از عهده امرار معاش و تامین زندگی بر نمی‌آیند"؟!

" بسیاری از کارشناسان و فعالان کارگری با حمایت از اختصاص بسته امنیت غذایی به جامعه کارگری بر این باورند که بیش از 70 درصد کارگران و مشمولان قانون کار جزو گروه‌های کم درآمد هستند و از این حیث باید مشمول دریافت سبد کالا و بسته امنیت غذایی شوند" (همانجا - تأکید از من است).

حتا اگر خانه کارگری‌ها و یا شوراهای اسلامی کار به نام کارگران چنین نامه‌ای نوشته و چنین درخواستی کرده باشند، خود اعترافی بر این است که در نتیجه سیاست‌های ضد کارگری رژیم و "برنامه‌های داهیانه" اقتصاددانانش و استثمار وحشیانه کارفرمایان و سرمایه‌داران، کارگر زحمتکش به چه روزی افتاده است که "70 درصدش جزو گروه‌های کم درآمد است" و به جای دریافت مزد عادلانه کار شرافتمندانه‌اش، ناگزیر از سر استیصال به چنین خفت و ذلتی تن دهد و دست نیاز به سوی بنگاه‌های خیریه دشمنان طبقاتی خود دراز کند.

ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود، چنین برنامه‌ای علاوه بر زیربنا، روبنا را هم در خدمت اهداف زیربنایی به خدمت گرفته است. روشن است که فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ اسلامی طبقات حاکم است، تکدی، گداپروری، دریوزگی، مفت خوری، صدقه، نذر و خیرات و ... تبلوراتی از این فرهنگ ارتجاعی است، ("امتی" که "مقام معظم رهبری" اش، سید علی گدای دیروزی است، جای تعجبی ندارد که این گونه مروج و مبلغ گداپروری باشد). آنها صدقه، گداپروری، قناعت و خرافات مذهبی را مانند مسیحیان قرون وسطا (با اشاره به "مانیفست") موعظه می‌کنند تا با تحمیق و تحقیر توده‌های رنج و زحمت آنها را از "زیاده‌خواهی" باز دارند، مهار کرده و با "فقیر نوازای" و "نوع دوستی" و "رعیت پروری" به خود وابسته سازند، تا با چهره "خیرخواهانه" با فراغت بیشتر و خیال آسوده‌تری به عنوان انجام "فرائض دینی" به غارت و چپاول و استثمار هرچه بیشتر ادامه دهند. در حقیقت آنها می‌کوشند به مناسبات ضد انسانی سرمایه‌دارانه‌شان، لباس اسلامی ببوشانند. هرگونه تظاهر و تبلور نظام سرمایه‌داری را در زیر این عبا پنهان می‌کنند، و حتا واژه‌ها و اصطلاحات و قوانین متداول در این جوامع را تغییر می‌دهند، تا هرگونه تظاهرات این مناسبات را ببوشانند و خود را منادی مناسباتی "انسانی" و "عادلانه" و "الهی" جا بزنند. واژه‌هایی نظیر کار، سرمایه، دستمزد، بهره‌کشی، استثمار و بخصوص تمامی واژه‌های مربوط به حقوق کارگری را از قاموس اصطلاحات و مفاهیم نظام سرمایه‌داری محو کرده و به جای آنها واژه‌های انحرافی و عوامفریبانه مذهبی اختراع می‌کنند تا با مسحور کردن کارگران در فضایی مذهبی و ملکوتی! آنان را تخدیر کرده و یوغ بندگی را به گردنشان بیاویزند. طرح استاد شاگردی، تغییرات در قانون کار و ... (***) نیز قطعات دیگری از این پازل توطئه-گرانه است.

"بسته حمایت غذایی" نیز دقیقاً در راستای گسترش چنین فضای فرهنگی برای تحکیم نظام بربرمنشانه سرمایه‌داری با چهره بزرگ کرده اما درنده اسلامی است. با تحقق چنین پروژه‌ای دیگر به ظاهر کارگر و سرمایه‌داری وجود نخواهد داشت، بلکه "مسلمانان ثروتمند" و "نیکوکاران بخشنده ای"، در یک طرف و ملیون‌ها انسان مستأصل و مستمند و تهیدست در طرف دیگر قرار می‌گیرند، "کار" دیگر مفهومی ندارد که در مقابلش دستمزدی پرداخته شود، بلکه بردگی مطلق است و تنها برای حفظ بقا و توان ادامه زندگی برده‌وار، به جای مزد، از سر شفقت، اندکی صدقه پرداخت می‌شود. و... این آن خواب شومی است که برای طبقه کارگر دیده اند.

اگرچه در برنامه "توزیع سبد کالا"، شاهد مناظر رقت بار و تأسف‌آوری بودیم که ناشی از فقر و گرسنگی و نیاز مفرط زحمتکشان بود، که گفته‌اند "شکم گرسنه ایمان ندارد"، اما کارگر آگاه شرف خود را هرگز تاخت نمی‌زند، شعار: "میمیریم، میمیریم، نلت نمی‌پذیریم" تبلور گویای این موضع و روحیه والای کارگری است که گرسنگی را تحمل می‌کند، اما برای لقمه‌ای نان گردن کج نمی‌کند، دستش را برای گرفتن حقوقش با مشت‌های گره کرده دراز می‌کند، اما برای گدایی از دون صفتان حاکم هرگز. زیرا به قول شاعر:

دست طلب که پیش خسان می‌کنی دراز پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش!

هوشیاری خود را بالا ببریم، به دام چنین دسیسه‌هایی نیفتیم و تلاش‌های ضد کارگری سرمایه‌داران حاکم و دولت و وزارت کار حامیش را با هر نام و شکل و شمایلش آگاهانه افشا کرده و قاطعانه در هم شکنیم.

چه می‌توان کرد؟

کوچکتر و بی‌صلاحیت‌دارتر از آنم که در کنار گود و از راه دور برای کارگران ایران و پیشروانش نسخه بپیچم و "رهنمود" صادر کنم. تنها نکاتی از اندک تجربه اندوخته خود را عرضه می‌کنم، تشخیص کارآمدی و مفید بودن آنها، با توجه به شرایط و امکانات موجود در ایران، با فعالین کارگری داخل کشور است:

- افشای گسترده، مداوم و مستند این "پروژه" با مطالعه دقیق مواد و برنامه اجرایی آن و مراحل پیاده شدنش.
- هشدار به تمامی کارگران که بار دیگر دنبال سراب نروند و اعلام تحریم رسمی و عملی این برنامه و سازماندهی وسیع و دقیق این تحریم.
- تشدید مبارزه گسترده برای افزایش دستمزدها و دریافت حقوق‌های معوقه و سایر مزایای حذف شده و بازستاندن ثروت‌های غارت شده سازمان تأمین اجتماعی.
- تلاش بیشتر و تمرکز برای ایجاد تشکلات مستقل در تمامی واحدها و ایجاد اتحادیه سراسری که مهم‌ترین ابزار مؤثر برای تحقق اهداف فوق و مقابله نیرومند با دشمنان طبقاتی و خنثا کردن توطئه‌هایشان است.
- ایجاد صندوق‌های تعاونی و وام به دست خود کارگران (هرچند با دست‌های تهی، اما از همان راه‌هایی که تا کنون گلیم خود را از آب کشیده‌اند) و هواداران راستین و توانمند طبقه کارگر (نه از انواع سرمایه‌دارانو ثروت‌اندوزان) و همیاری و همبستگی طبقاتی گسترده، با اولویت در یاری رسانی به خانواده کارگران زندانی و خیل گسترده اخراجی‌ها، تا نشان داده شود که کارگران قادرند با حفظ استقلال و تکیه به نیروی خود، نیازهای هم‌طبقه‌ای‌های خود را با سربلندی و افتخار تأمین کنند و لقمه آلوده دشمنان را جلوی خودشان پرت کنند! و این حقیقت را ثابت کنند که: "امر آزادی کارگران، تنها به دست کارگر است".

واضح است که اینها تنها ایده‌هایی خام و زاینده ذهن و شاید به دور از واقعیت و غیر عملی باشند و تنها در حد یک پیشنهاد فکری ارائه شدند، همان‌طور که اشاره شد تنها، فعالین کارگری در داخل می‌توانند تشخیص دهند که کدامیک از این‌ها مفید است و چقدر امکان عملی شدن دارد.

درو بر کارگران آگاهی که گرسنگی را بر شرف باختگی ترجیح می‌دهند

(*) – بجز میلیاردها تومانی که از سرمایه کارگران در سازمان تأمین اجتماعی توسط "ذوب شدگان در ولایت" یعنی رئیس دزدان سرگردنه علی خامنه‌ای به چپاول رفت، اخیراً اطلاعات موثق زیر در مورد "مفقود شدن" هفتاد میلیارد دلار ثروت ملی، که در خلال جنگ قدرت حاکمین به بیرون درز کرد، توسط دوست عزیزی به دستم رسید که بیانگر ابعاد دیگری از این غارتگری هاست.

" قبلاً با اطلاع بودیم که حدود هفتاد میلیارد دلار ناقابل توسط رئیس جمهور منصوب رهبر یعنی پاسدار احمدی نژاد در یک قلم به حساب بانک مرکزی واریز نشد و به تدریج در جنگ گرگها بطور نهایی اطلاع حاصل کردیم که چگونه تقسیم شده تا اعضا باند ناراحت نشوند

1. پاسدار رشید اسلام محمدشرف ملک زاده . و شرکت تحت مدیریتش بنام شرکت .رنوس.. 6000 میلیارد تومان
2. پاسدار رشید اسلام ار مین محمدی وارد کننده الومنیوم تحت نام هولدینگ یاس.. 6000 میلیارد تومان
3. پاسدار رشید اسلام مجتبی خوشروشریک محترم ار مین محمدی سازنده برج در کامرانیه. 4000 میلیارد تومان
4. برادرسیجی اقتصادی طعمه شده خوش رقص بابک زنجانی. 7000 میلیارد تومان
5. ولایتمدار مرحوم امیر منصور اریا و سردار فراری محمود خاوری و دارودسته. 3000 میلیارد تومان
6. هلوی معروف سردار پاسدار حمید بقایی معاون رئیس جمهور 3100 میلیارد تومان
7. سردار پاسدار وصلت کرده مورد اطمینان خانواده رئیس جمهور دست راست ایشان اسفندیار رحیم مشایی از چپاوله‌های میلیاردی مسکن مهر و هدیه‌های رئیس جمهوری مردمی 8900 میلیارد تومان.
8. دانشگاه پیشرفته رئیس جمهور موسوم به ایرانیان با اساتیدی مجرب چون احمدی نژاد و مشایی و بقایی. 8900 میلیارد تومان.
9. قاضی عادل و پاسدار رشید اسلام سعید مرتضوی منصوب رئیس جمهور بر سازمان تأمین اجتماعی. 1340 میلیارد تومان.
10. سردار پاسدار رشید اسلام و یار دیرینه رئیس جمهور حاج صادق محصولی. 2370 میلیارد تومان
11. سردار پاسدار حفظاالله نام معاون بانک مرکزی. 1300 میلیارد تومان
12. سردار پاسدار معاون اول رئیس جمهور محبوب آغا محمد رضا رحیمی. 1400 ملیارد تومان البته در این سهم
13. سردار پاسدار پوستین دوز مدیر عامل شرکت سایپا که قصد داشت به بلاد کفر بگریزد و دستگیر شد که نرود و نزد کفار افشاگری بکند. 2500 میلیارد تومان.
14. سردار رشید اسلام بهزاد ظهیری مدیر عامل سابق ایساکو. 300 میلیارد تومان

(**) – طبق اساسنامه تعیین شده از طرف وزارت کار هدف تشکل‌های صنفی را "تأمین قسط اسلامی" اعلام نموده و شرایط انتخاب شونده منوط به: "اعتقاد و التزام عملی به اسلام و به ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی" می‌باشد و همچنین: "عدم وابستگی به گرایش‌های احزاب و سازمان‌ها" (البته به استثنای احزاب دولتی!) و صد البته: "نباید مخالف با موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد".

"خانه کارگر"، در ماده یک اساسنامه‌اش: "بازوی مکمل جمهوری اسلامی و تلاش در جهت مصالح اسلام و انقلاب اسلامی و ... " تعریف می‌شود. در ماده 3: "استقرار نظام اقتصادی اسلامی و منطبق بر قانون اساسی" را از وظایف خود بیان کرده است. ماده 4: " تقویت هرچه بیشتر نهادهای جمهوری اسلامی و همکاری صمیمانه با آنها در جهت تحقق اهداف شکوهمند انقلاب اسلامی".

این‌ها همه نشانه‌هایی از تلاش هدفمندی است که میخ اسلام را در همه جا بکوبند و فرهنگ اسلامی را در تمام عرصه‌های کار و زندگی و بویژه تشکلات کارگری مسلط سازند.



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-
خارج کشور
Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement-
abroad

گزارشی از برزیل

<https://www.youtube.com/watch?v=-6vke4eKTK8>

از شروع بازی های جهانی فوتبال، ارتش پلیسی برزیل به استناد قوانین "فیفا" (قوانین ضد اعتراضات) در تمام کشور مانع از فعالیت شرکت کنندگان و فعالین در حرکت های اجتماعی و تظاهرات اتحادیه ای علیه "تجارت بزرگ" با یورش وحشیانه و محدودیت شد. اما دیشب (27.06.2014) دادگاه هفتم در "بلو هوریسونه" در ایالت "میناس گرایس" برای اولین بار یک حمایت حقوقی قابل انتظار در روندی سریع را مقرر نمود که آزادی تظاهرات در برزیل را همچنین در زمان مسابقات جهانی، تضمین می کند. این تصمیم از طرف جنبش های اجتماعی و اتحادیه ای مورد استقبال قرار گرفت. حال ما برای تداوم و تشدید تظاهرات در پایتخت "بلو هوریسونه" و در ادامه آن امروز در روز بازی برزیل مقابل شیلی در استادیوم "مینیرا" برنامه ریزی می کنیم. این مصوبه در مورد خواستی اولیه اما می تواند از طرف دادگاه عالی ایالتی "میناس گرایس" رد شود.

مسئولین حقوقی دادگاه هفتم ایالتی "میناس گرایس"، دیشب در یک تصمیم قابل انتظار مقرر داشت و تأکید کرد که ارتش پلیسی "میناس گرایس" اجازه ندارد اجتماعات و اجرای فعالیت های اعتراضی اجتماعی و مردمی را - که فیفا - بازی های جهانی در "بلو هوریسونه" مورد سؤال قرار داده- با زور و محدودیت مانع بشود.

بعد از 50 سال از کودتای دیکتاتوری در 1964 مجدداً حکومت و نیروهای نظامی برزیل، به حرکت های اجتماعی و اتحادیه ای برزیل حمله می کنند. آنهایی که در خیابان ها تظاهرات می کنند بر علیه خدمات عمومی بی نهایت نامطمئن کنونی مانند حمل و نقل، بهداشت، آموزش و مسکن. این تظاهرات ها از طرف دولت برزیل قویاً محدود شده و شدیداً جنایی می شود.

بعد از این مصوبه، اکنون "جبهه متحد حقوقی برای دفاع از تظاهرات در "میناس گرایس" یک فراخوان برای تظاهرات دیگری در روز شنبه 28 ژوئن زمانی که برزیل مقابل شیلی بازی می کند، داده است. یقیناً اجتماعات متحدی در پایتخت "بلو هوریسونه" برگزار خواهد شد. یک اجتماع مقدماتی امروز صبح برای مشخص کردن آخرین اقدامات تدارکاتی تشکیل خواهد شد.

حرکت اجتماعی "جبهه متحد حقوقی" بیانیه ای برای حمایت از "وکالت مردمی و سازماندهی حرکت ها، که با هم یک "گل" به نفع مردم برزیل زده اند"، صادر کرده است.

آزادی تظاهرات و آزادی اندیشه برای مبارزات اجتماعی و اتحادیه ای در برزیل!

همبستگی با مبارزین سیاسی تحت تعقیب فیفا - بازی های جهانی در برزیل!

برای بازگشت به کار کارگران مترو در "سائو پاولو"!

علیه فیفا و کنسرن های بزرگ "صنعت ورزش" در خیابان ها اعتراض کنید!

اعتراضات برای کسب عدالت اجتماعی را حمایت کنید!

برای آموزش و خدمات عمومی در برزیل!



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران -
خارج کشور
Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement-
abroad

آکسیون در هانوفر آلمان در اعتراض به ادامه اعدام ها و سرکوب دائمی دگراندیشان در ایران

28 ژوئن به دعوت کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران - هانوفر متشکل از همکاری نیروهای سیاسی فعال این شهر، آکسیونی در مرکز شهر انجام گرفت. این آکسیون به روال همیشگی در اعتراض به تداوم و گسترش موج سرکوب و اعدام و نقض فاحش حقوق بشر در همه عرصه ها در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، سازمان داده شد و مورد پشتیبانی بسیاری از ایرانیان و غیر ایرانیان این شهر قرار گرفت. طی این آکسیون از طریق بلندگو و همچنین پخش اعلامیه به زبان آلمانی، توجه افکار عمومی مردم به وضعیت اسفبار حقوق انسانی در ایران و پایمال شدن مداوم آن توسط جمهور اسلامی این بار در جامه دولت "تدبیر و اعتدال" حسن روحانی، جلب گردید



هموطنان آزادیخواه

رضا شهبابی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران و حومه در اعتراض به شرایط غیر قانونی حاکم بر زندان های جمهوری اسلامی بیش از چهل روز است که در اعتصاب غذا بسر میبرد او که از درد ستون فقرات در رنج است تا کنون بارها به حالت بیهوشی افتاده و بیش از 15 کیلو وزن کم کرده است. رضا شهبابی را به بیمارستان منتقل کرده اند ولی تا کنون به خانواده اش اجازه ملاقات با او را نداده اند.

دوستان بار دیگر گرد هم آییم و با یاری یکدیگر برای حمایت از رضا شهبابی و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی و به نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم اسلامی حاکم بر ایران اعتراض نماییم.

روز پنجشنبه 17/2014/07

ساعت: 18

آدرس:

CFMEU NSW
12 Railway Street
Lidcombe NSW 2041

شماره تلفن جهت اطلاعات بیشتر

0420327016 میثرا 0422323779 سعید

جمعی از فعالین سیاسی و اجتماعی - سیدنی - استرالیا

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپنهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

میر مرا ز یاد خود

کاری از کانون مدافعان حقوق کارگر

میر مرا ز یاد خود

ز یاد خود میر مرا

میر مرا ز یاد خود

ز یاد خود میر مرا

منم که در میان کوهی از فلز و آتشم،

میان دره ای پُر از غبار فاحشم

منم که خسته از تنفس هوای بویناک گاز ترش و تلخ

میان ابرِ نفتی ام، در انتظار بارش

میر مرا ز یاد خود

ز یاد خود میر مرا

ز یاد خود میر مرا

که بی صدای هر شبیت

خراب و رو به کاهشم

خراب و رو به کاهشم

میر مرا ز یاد خود

اگر اجاره خانه ی نداده می گزد ترا

اگر پنیر نسبی، شرم می دهد ترا

اگر فغان کودک درون جان خسته ات

شکسته بغضش از امید رو به کاهشم

امید رو به کاهشم

هزار حرف تازه را نگفته بشنو از دلم

دلی که سوز آن ز هر تنور می رسد

دلی که بوی نان تُرد و تازه می دهد

دلی که مانده در کنار تو بر غم خواهم

میر مرا ز یاد خود

ز یاد خود میر مرا

ز یاد خود مبر مرا

که خود ز یاد خویش رفته ام

که خود ز یاد خویش رفته ام

ز یاد خویش

<https://www.youtube.com/watch?v=vpNQ4xZZYwE#t=16>

Do Not Forget Me: A Song

Do not forget me - Forget me not.

Do not forget me - Forget me not.

I am amidst a mountain of metal and fire

I am amidst a valley of deadly dust.

Tired of inhaling a smelly air full of sour and bitter gases

I am amidst petro clouds

Waiting for rain.

Do not forget me - Forget me not

without your voice every night

I am ruined and diminished

I am ruined and diminished.

Do not forget me

If late rent payment bites you

If cheese on credit shames you

If the child within your tired soul

is crying because of my dying hope

my dying hope.

Listen to a thousand untold words of my heart

A heart which burns like an oven

A heart which has the scent of fresh crisp bread

A heart which has remained with you full of desire.

Do not forget me - Forget me not

Forget me not

though I have forgotten me

though I have forgotten myself.

Vergiss mich nicht: Ein Lied

Vergiss mich nicht – Vergissmeinnicht.

Vergiss mich nicht – Vergissmeinnicht.

Ich bin mitten in einem Berg von Metall und Feuer

Ich bin mitten in einem Tal von tödlichem Staub.

Müde, die stinkende Luft voll von saurem und bitterem Gas einzusatmen

Ich bin mitten in Wolken von Öl und warte auf den Regen.

Vergiss mich nicht – Vergissmeinnicht

ohne Deine Stimme jede Nacht

bin ich vernichtet und geschwächt

bin ich vernichtet und geschwächt.

Vergiss mich nicht

Wenn Dich eine verspätete Mietzahlung sticht

Wenn Dich Käse auf Kredit beschämt

Wenn das Kind in Deiner müden Seele

weint, weil meine Hoffnung stirbt

meine Hoffnung stirbt.

Höre tausend ungesprochene Worte meines Herzens

Ein Herz, das wie ein Ofen brennt

Ein Herz, das den Duft von frischem knusprigem Brot hat

Ein Herz, das voller Sehnsucht nach Dir geblieben ist.

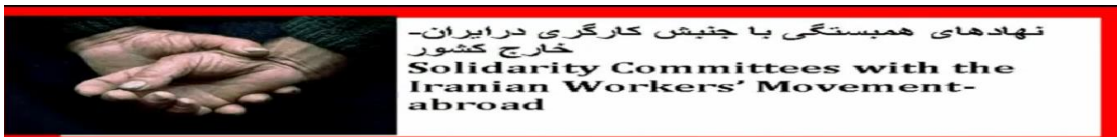
Vergiss mich nicht – Vergissmeinnicht

Vergissmeinnicht

obwohl ich mich vergessen habe

obwohl ich mich selbst vergessen habe.

Übersetzung der englischen Übersetzung aus dem Persischen



نامه اعتراضی اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگل بانی، معادن و انرژی (CFMEU شعبه NSW) به مقامات ایران

17 July 2014

, info@judiciary.ir, iran@un.int, rouhani@csr.ir info@leader.ir
, office@justice.ir, support@irimlsa.ir ijpr@iranjudiciary.org
, avaei@Dadgostary-tehran.ir, info@humanrights-iran.ir
, info@mlsa.ir, larijani@ipm.ir bia.judi@yahoo.com

اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگل بانی، معادن و انرژی (CFMEU شعبه NSW) بدینوسیله حبس رضا شهابی خزانه دار و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که از سال 2010 در زندان بسر می برد را محکوم میکند. تنها جرم وی نمایندگی کردن اعضای سندیکای شرکت واحد، کارگران و مردم ایران می باشد.

نحوه برخورد با آقای شهابی غیر قابل قبول است، ایشان هنگام دستگیری و بازجویی وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از لحاظ جسمی و روحی بشدت آزار دیده است، وی 19 ماه در سلول انفرادی بوده و طی این دوره هیچ خبری از وضعیتش را با خانواده او در میان نگذاشته اند. رضا شهابی به اتهام واهی تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی محکوم به شش سال زندان، پنج سال ممنوعیت از هر گونه فعالیت اتحادیه ای و هفت میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی شده که تقریباً معادل سه هزار دلار آمریکا میباشد.

ایشان به دلیل تحمل آزار های جسمی و روحی از بیماریهای عیدیه ای، از جمله درد شدید دیسک در ناحیه کمر و گردن، بی حسی در دستها و پاها، نارسایی کبد و کلیه، همچنین فرسودگی بخش پایین ستون فقرات و بیماری قلبی رنج می برد.

ادامه نقض حقوق بشر در مورد آقای شهابی رقت انگیز و اسفبار است، CFMEU بهم راه شمار زیادی از فعالین بین المللی، خواستار آزادی فوری، مراقبت پزشکی و پرداخت غرامت به دلیل صدمات وارده بر وی می باشد.

با ابراز همبستگی

ریتا مالیا پرزیدنت شعبه ایالتی

(این نامه به رهبری، ریاست جمهوری، قوه قضاییه و سایر نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی ایران ارسال شده است)

CFMEU NSW
12 Railway St,
Lidcombe NSW 2141
Locked Bag 1
Lidcombe 1825
Secretary: Brian Parker
President: Rita Mallia
Ph 02 9749 0400
Fax 02 9649 7100
cfmeunsw.asn.au

enquiries@nsw.cfmeu.asn.au

ABN: 17 524 350 156

17 July 2014

info@leader.ir; info@judiciary.ir; iran@un.int; rouhani@csr.ir;
ijpr@iranjudiciary.org; info@dadiran.ir; office@justice.ir;
support@irimlsa.ir; info@humanrights-iran.ir; avaei@Dadgostary-tehran.ir;
bia.judi@yahoo.com; info@mlsa.ir; larijani@ipm.ir;

The Construction Forestry Mining & Energy Union (NSW Branch) writes to condemn the continued incarceration of Reza Shahabi, the Treasurer and Executive Board member of the Syndicate of workers of Tehran and Suburbs Vahed Bus Company, known as «Vahed Syndicate», who has been imprisoned since June 2010. His only crime was to represent the members of his union and Iranian workers and people.

Mr Shahabi's treatment is unacceptable. He was brutally attacked and beaten during his arrest and interrogations, and severely suffered both physically and psychologically. He spent 19 months in solitary confinement and during this time his family was not informed of his situation. He has been sentenced to six years of imprisonment, banned for five years from any trade union activities, and a fine of 7,500,000 Toman, in which is (the equivalent of about US \$3000), on the vague charges of "propaganda against the state" and "acting against national security".

As the result of enduring psychological and physical abuses, he now suffers from multiple illnesses, including severe neck and back pain associated with disc herniation, numbness of feet and hands, liver and kidney complications, decaying of his lower vertebrates and heart issues.

The continued violation of Mr Shahabi's human rights is deplorable and the CFMEU, along with many other international activists, call for his immediate release, medical care and compensation for his massive injuries.

Yours in solidarity,

Rita Mallia

State President

The ITF (International Transport Workers' Federation) has demanded the release of Reza Shahabi, the imprisoned Iranian trade unionist and prisoner of conscience. Shahabi, who is the treasurer of the ITF member union the Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company (otherwise known as the Vahed union), was unjustly arrested in 2010 and is now on a hunger strike.

In a strongly worded letter sent today to Iranian president Hassan Rouhani, the ITF's acting general secretary, Steve Cotton, stated:

'The ITF has written to your government on a number of occasions to demand Shahabi's release and to ensure that he is provided with the medical treatment he needs. The Federation also on several occasions reminded you of your country's international legal obligations to comply with international human rights and labour standards, and in particular on the right to freedom of association and collective bargaining.

'Indeed, this obligation has been re-affirmed by the ILO in their report to the March 2014 meeting of the Governing Body which states that:

"As regards the situation of Mr Shahabi, the Government indicates that it genuinely continues its constructive attempts to seek his parole and pardon through legal channels. The Government recalls that, when meeting with the Director of the International Labour Standards Department of the ILO, on 17 April 2012, the Minister of Cooperatives, Labour and Social Welfare had reaffirmed the Government's inclination for the immediate freedom of Mr Shahabi; he had instructed his Deputy for International Affairs to closely follow this case. In relation to the accusation of maltreatment of Mr Shahabi, the Government states that any alleged mistreatment of suspects and arrested people, irrespective of the charges against them, shall be subject to appropriate legal prosecuting and that perpetrators thereof would be sued and duly punished if found guilty of the attributed maltreatments and neglects charges; in this respect, Mr Shahabi has the power to exercise his constitutional and legal rights toward reclamation of his rights, if he so decides.

'In regard to the allegations of negligence and carelessness in addressing the immediate medical needs of Mr Reza Shahabi during his prison term, the Government indicates that the Department of Prisons, Correctional and Rehabilitation Services is responsible for the safety, security and health of prisoners, and that different articles of the Executive Standing Order of the said department legally requires it to constantly supervise the public and individual situation of the prison inmates and address their needs immediately. Paragraph 1 of Article 44 of the Standing Order requires the prison ombudsperson to closely monitor any infringement of the legitimate rights of the prisoners. The Government states that, realizing the importance of providing a detailed account of Mr Shahabi's medical treatment, it will undertake to provide the Committee with a detailed report on his medical treatment. The Government indicates that he has already been in hospital for bone spurs' treatment."

Despite the statements by the Government, and repeated commitments for proper treatment, these promises continue regularly to be broken. Furthermore, Shahabi was recently transferred from Section 350 of Evin prison in Tehran to Raja'i Shahr prison, in the city of Karaj. In protest at this transfer- to a prison where political prisoners and violent criminals are held together – it is reported that Shahabi started a hunger strike.

Given the developments with Shahabi's health and the deterioration of the situation, the Government has little choice but to act now. The ITF once again forcefully repeats its position that no worker be imprisoned for his/her trade union activities, much less be treated in a way which amounts to deliberate torture. ITF affiliated members are urgently demanding that Shahabi is released immediately and unconditionally from prison. Pending his release, the Federation also demands that Shahabi's physical integrity and safety are fully respected.

The ITF will continue to monitor the development of the situation carefully. The ITF and ITUC have already written to the ILO, which has indicated that it supports the demand for the unconditional release of Shahabi and the provision of appropriate and necessary medical treatment.

The Federation continues to support its affiliate and worldwide, its members will not hesitate to demonstrate their solidarity, should this be necessary.'

The ITF has also launched a LabourStart appeal which asks people to send messages of protest at Shahabi's detention to the Iranian president. This is at www.labourstart.org/go/freereza and attracted 1,000 signatures in its first two hours.

Amnesty International recogniseS Reza Shahabi as a prisoner of conscience. See: www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/029/2014/en/5ab7e725-0ee6-4799-945c-0e992823b1ce/mde130292014en.html

ENDS

In response to call of workers' unions of Brazil

Militant, Conscious and striking workers in Brazil

***Committed and responsible workers' unions of workers' movement in Brazil
The syndicates of education, health, farming and housing***

Co-workers and comrades!

With the most cordial greetings of solidarity, we have received your call in a short time.

In response to this historical call, on the occasion of the World Cup held in Brazil, and in fulfilling our internationalist duty, we have interpreted your great militant movement as a turning point in the labor movement in the world today, and a new dawn in the development of the global workers movement from defensive positions against the predatory, aggressive, oppressive capitalism to an offensive position against them. You have consciously and deliberately chosen the best historic opportunity for the international proletariat, to announce with a clear cry and wide that „Enough is enough! “

At this moment, the eyes of the whole world have turned to your direction, and your just cries are heard by all. Definitely the mass of the 90 percent are in sympathy, and with united voice, accompanying you side by side in this struggle. You are never alone.

We are also, though from afar, proudly, see ourselves by your side and sing along with you the song of International Victory:

Final day of the struggle, the last battle of ours

The International, International is the humans' emancipation

Hopes of your victory in battle and consistency in your will

Long live international workers' solidarity

11.06.2014

Solidarity Committees with the Iranian Workers' Movement- abroad

nhkommittehamahanqi@gmail.com

Cher Reza Shahabi,

Les organisations syndicales françaises CFTD, CGT, FSU, Solidaires et UNSA du collectif syndical pour l'Iran suivent avec une grande préoccupation l'évolution de votre situation carcérale, et en particulier la condition pénitentiaire inhumaine à laquelle vous êtes soumis. L'aggravation de votre état de santé après 35 jours de grève de la faim nous préoccupe sérieusement.

Votre intégrité physique est une condition préalable pour la continuation de vos luttes pour les justes revendications des travailleurs du syndicat Vahed. La grève de la faim que vous avez entamée, a déjà alarmé l'opinion publique sur votre situation. Nous pensons que le sérieux et la sincérité de votre geste donnent une grande force à votre message à la communauté internationale.

De notre côté, nous continuerons à soutenir votre lutte pour les droits fondamentaux syndicaux, et à exiger votre libération sans condition auprès des autorités de la République Islamique d'Iran.

CFDT : Philippe Réau preau@cfdt.fr + 33 6 48 36 03 93

CGT : Ozlem Yildirim o.yildirim@cgt.fr + 33 1 55 82 82 83

FSU : Michelle Olivier michelle.olivier@snuipp.fr + 33 6 15 62 15 10

Solidaires : Alain Baron contact@solidaires.org + 33 1 58 39 30 20

UNSA : Emilie Trigo emilie.trigo@unsa.org + 33 6 21 40 16 50

Paris, le 4 juillet 2014



Adressée à

Guide suprême de la République islamique d'Iran

Ayatollah Sayed Ali Khamenei

Le Bureau du Guide; Rue Keshvar Doust ; Qom, Iran

Paris, le 4 Juillet 2014

Monsieur le Guide suprême,

Les organisations syndicales françaises CFDT, CGT, FSU, Solidaires et UNSA, s'adressent à vous afin d'attirer votre attention sur la situation de Réza Shahabi, membre de la direction du syndicat Vahed de la Régie des transports de Téhéran et sa banlieue, emprisonné depuis juin 2010 en raison de ses activités syndicales pacifiques.

Le 1er juin 2014, Reza Shahabi a été transféré de la section 350 de la prison d'Evin, à Téhéran, vers la prison de Rajai Shahr, à Karaj, où les prisonniers politiques et les individus, souvent violents, déclarés coupables d'infractions pénales sont détenus ensemble. Depuis le jour son transfert il a entamé une quatrième grève de la faim en signe de protestation, et réclame son retour à la prison d'Evin. Nous vous rappelons qu'aux termes de l'Ensemble de règles minima pour le traitement des détenus (Nations Unies) les différentes catégories de prisonniers doivent être détenus séparément.

La santé de Reza Shahabi suscite de vives inquiétudes. Les médecins de l'hôpital sont intervenus pour qu'il reçoive des soins en dehors de la prison, faute de quoi il risque d'être paralysé du côté gauche. Nous vous demandons de veiller à ce que Reza Shahabi ait accès, sans délai et en dehors de la prison, aux soins médicaux dont il a besoin.

Devant la gravité de la situation, dans le cas où les autorités iraniennes ne pourraient garantir que de tels soins soient assurés dans le pays, les organisations syndicales françaises l'inviteront afin de se faire soigner en France. Elles demanderont alors aux autorités iraniennes de l'autoriser à se rendre France où il sera pris en charge pour recevoir des soins adéquats dans un hôpital.

CFDT : Philippe Réau preau@cfdt.fr + 33 6 48 36 03 93

CGT : Ozlem Yildirim o.yildirim@cgt.fr + 33 1 55 82 82 83

FSU : Michelle Olivier michelle.olivier@snuipp.fr + 33 6 15 62 15 10

Solidaires : Alain Baron contact@solidaires.org + 33 1 58 39 30 20

UNSA : Emilie Trigo emilie.trigo@unsa.org + 33 6 21 40 16 50

P.S. : Copie à :

Hassan Rohani (prédisant de la république Islamique d'Iran) ;

Sadegh Larijani (chef de la magistrature) ;

Ambassade de la Rép. Islamique d'Iran à Paris

.....



Liebe Kolleginnen und Kollegen in Brasilien,

in Bezug auf Ihren Aufruf, dass am 12.Juni. 2014 während der Eröffnung der WM-Fußballspiele gestreikt wird, erklären wir uns mit Euch solidarisch und werden Eure Botschaft an die Arbeiterklasse Irans herantragen.

Es lebe die internationale Solidarität!

12.06.2014

"Vereinigungen zur Solidarität mit der Arbeiterbewegung in Iran" - Ausland

The Message from Seventh Public Denote of Solidarity Committees with the Iranian Workers' Movement- abroad to International Coordinating Board of "ICOG"

Dear comrade and colleagues with greetings; we are extremely grateful of your second successful Assembly on May (9-12) in preparation for the first International Car maker's Labour for forward conference in October (2015). We are thankful for your invitation as a representative for the iranian worker's to participate in your conference. We are also extremely grateful for your support of jailed worker's in Iran and your condemnation of the Islamic Republic of Iran. We are pleased to inform you that your solidarity massage has presented in our yearly conference on 24th of May 2014.

Long live workers international solidarity

Down the capitalists system

With Regards

Solidarity Committees with the Iranian Workers' Movement- abroad

nhkommittehamahangi@gmail.com